نشر الگو

موج ۲۰

مرحله‌ای و جامع

ویژهٔ آمادگی شرکت در امتحان‌های نهایی و نیم‌سال

عربی دوازدهم

(انسانی)

محسن آهویی، عرفان جالیزی



- امتحان‌های درس به درس
- امتحان‌های نیم‌سال اول و دوم
- مرورنامهٔ شب امتحان
- امتحان‌های شبیه‌سازنهایی
- امتحان‌های نهایی اخیر
- پاسخ‌های تشریحی + کلید تصحیح

پیشگفتار

«تقدیم به پسر عزیزتر از جانم (حمیدرضا) که وجودش مایهٔ افتخارم است.»
محسن آهویی

«تقدیم به پدربزرگ و مادربزرگ ارجمندم که کودکی‌ام در سایه‌سار الطافشان سپری شد. یادگارانی شریف از ریشه‌های استوار درختی که امروز ایستاده است.»
عرفان جالیزی

«یا مَن في البِحارِ عَجائِبُهُ»

(دعای جوشن کبیر، فراز ۵۸)

احتمالاً وقتی همه‌مون با دریا مواجه می‌شیم، اوّلین چیزی که توجّه‌مون رو به خودش جلب می‌کنه، موج‌های دریاست که هم صدای گوش‌نوازی داره و هم آرامشی مثال‌زدنی برامون به ارمغان میاره. شاید سؤالی که همیشه برامون پیش اومده این باشه که اصلاً چرا موج دریا انقدر آرامش‌بخشه؟ چرا موج دریا می‌تونه برای لحظات طولانی، آدم رو محو خودش کنه؟

راستش رو بخواین هیچ دلیل (یا به قول شما جَوونا فکت) علمی‌ای نتونستیم براش پیدا کنیم به‌جز: اوّل اینکه موج به یه پشتوانهٔ عظیم به نام دریا تکیه زده و نمایان‌گر گوشه‌ای از پهناوری دریاست و دوم این ویژگی خاصّ موج که خیلی تکرار می‌شه، خیلی پشتِ همه، اصلاً یه‌جورایی نمی‌ذاره به آدم احساس خلأ دست بده.

خب؟ این‌همه راجع‌به «موج» حرف زدیم که بگیم کتاب «موج ۲۰ عربی دوازدهم انسانی» همون دو تا ویژگی رو داره که موج دریا داره؛ یعنی هم به یه پشتوانهٔ محکم تکیه زده و هم انقدر با آزمون‌های مبحثی و نیم‌سال و پایان‌سال و شبه‌نهایی، مطالب رو تکرار می‌کنه که اون آرامش روزهای قبل از امتحان نهایی‌تون رو تضمین می‌کنه.

کتاب «موج ۲۰ عربی دوازدهم انسانی» بر اساس آخرین تغییرات کمّی و کیفی امتحان نهایی نگارش شده؛ از ایجاد تغییرات جدّی در ترجمه‌ها تا درک مطلب‌هایی که عین متن کتاب نیستن و اگه ما قبلش، چندین و چند بار این مدل آزمون‌ها رو ندیده باشیم، می‌تونن برامون دردسرهای جدّی‌ای ایجاد کنن. به نظر ما، رسالت اصلی این کتاب اینه که کاری کنه شما قبل از امتحان نهایی، چند بار امتحان نهایی بدید، تصحیح کنید، رفع اشکال کنید و سرانجام، با کوله‌باری از آزمون و خطا، تجربه و آگاهی، به امتحان نهایی پا بذارید.

در این کتاب تلاش کرده‌ایم تا

۱. ۱۰ آزمون استاندارد درس به درس با استفاده از منتخب سؤالات امتحانات نهایی ادوار گذشته به همراه پاسخ‌نامهٔ کاملاً تشریحی تألیف شود.
۲. ۸ آزمون استاندارد نیم‌سال اوّل و دوم با رویکرد تماماً تألیفی به همراه پاسخ‌نامهٔ تشریحی تدوین شود.
۳. درس‌نامه‌هایی درختی برای مرور نهایی مطالب و نکات کتاب درسی.
۴. ۶ آزمون استاندارد شبه‌نهایی (کلّ کتاب) با رویکرد تماماً تألیفی به همراه راهنمای تصحیح تنظیم گردد.
۵. ۶ آزمون منتخب امتحانات نهایی سنوات اخیر به همراه کلید ادارهٔ کلّ ارزشیابی آموزش و پرورش گردآوری شود.

در پایان لازم می‌دانیم از همکاران ارزشمندمان در انتشارات الگو، سرکار خانم ستین مختار مدیر واحد ویراستاری و حروفچینی، خانم‌ها عاطفه ربیعی و سوده زارعی برای مطالعه و ویراستاری فنی و سرکار خانم سمیه سارانی برای حروفچینی و صفحه‌آرایی کتاب، تشکّر و قدردانی نماییم. همچنین از سرکار خانم منیژه خسروی که زحمت ویراستاری علمی کتاب را تقبّل فرمودند، سپاسگزاری می‌نماییم.

مع‌الوصف، از تمام صاحب‌نظران، اساتید گران‌قدر و دانش‌آموزان تلاش‌گر سراسر کشور خواهشمندیم، این اثر را از انتقادات و پیشنهادات سازندهٔ خویش محروم نسازند و ما را در بهبود اثربخشی آن، یاری کنند.

یا علی

دوستدارانتان: محسن آهویی – عرفان جالیزی

فهرست مطالب

آزمون‌های درس به درس و نیم‌سال

آزمون ۱: درس اول (۱) ۲
آزمون ۲: درس اول (۲) ۴
آزمون ۳: درس دوم (۱) ۶
آزمون ۴: درس دوم (۲) ۹
آزمون ۵: درس سوم (۱) ۱۱
آزمون ۶: درس سوم (۲) ۱۴
آزمون ۷: نیم‌سال اول (۱) ۱۶
آزمون ۸: نیم‌سال اول (۲) ۱۸
آزمون ۹: نیم‌سال اول (۳) ۲۰
آزمون ۱۰: نیم‌سال اول (۴) ۲۳
آزمون ۱۱: نیم‌سال اول (۵) ۲۵
آزمون ۱۲: نیم‌سال اول (۶) ۲۷
آزمون ۱۳: درس چهارم (۱) ۲۹
آزمون ۱۴: درس چهارم (۲) ۳۲
آزمون ۱۵: درس پنجم (۱) ۳۴
آزمون ۱۶: درس پنجم (۲) ۳۶
آزمون ۱۷: نیم‌سال دوم (۱) ۳۹
آزمون ۱۸: نیم‌سال دوم (۲) ۴۱
مرورنامه ۴۴

آزمون‌های شبه‌نهایی و نهایی

آزمون ۱۹: کل کتاب (۱) - شبه‌نهایی ۴۸
آزمون ۲۰: کل کتاب (۲) - شبه‌نهایی ۵۰
آزمون ۲۱: کل کتاب (۳) - شبه‌نهایی ۵۲
آزمون ۲۲: کل کتاب (۴) - شبه‌نهایی ۵۴
آزمون ۲۳: کل کتاب (۵) - شبه‌نهایی ۵۶
آزمون ۲۴: کل کتاب (۶) - شبه‌نهایی ۵۸
آزمون ۲۵: کل کتاب (۷) - نهایی خرداد ۱۴۰۲ ..... ۶۰
آزمون ۲۶: کل کتاب (۸) - نهایی شهریور ۱۴۰۲ ..... ۶۲
آزمون ۲۷: کل کتاب (۹) - نهایی دی ۱۴۰۲ ..... ۶۴
آزمون ۲۸: کل کتاب (۱۰) - نهایی خرداد ۱۴۰۳ ..... ۶۶
آزمون ۲۹: کل کتاب (۱۱) - نهایی مرداد ۱۴۰۳ ..... ۶۸
آزمون ۳۰: کل کتاب (۱۲) - نهایی دی ۱۴۰۳ ..... ۷۰

پاسخ‌های تشریحی ۷۴

آزمون ۱

موضوع آزمون: درس اول (۱)

صفحات پاسخ: ۷۴ تا ۷۶

امتحان نهایی: عربی ۳	رشته: ادبیات و علوم انسانی	تألیفی	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه

ردیف	سؤالات	نمره
۱	تَرجِم الكلمات الَّتي تحتها خطٌّ: الف) خُلِقَ الإنسانُ مِنْ طينَةٍ. (خرداد ۹۸) ب) يَنطوي العالَمُ الأكبَر في الإنسان. (خرداد ۱۴۰۲) ج) إنَّ الغَضَبَ مَفسَدَةٌ. (خرداد ۹۹) د) ﴿كَأَنَّهُم بُنيانٌ مَرصوصٌ﴾ (خرداد خارج ۱۴۰۱)	۱
۲	أُكتُب: «زَعمَ حَبيبي أنَّكَ شابٌّ مُجِدٌّ. - كَأَنَّ المُشتريَ مُتَرَدِّدٌ في شِراءِ البِضاعَةِ. - قَدْرُ كُلِّ امْرِئٍ ما كانَ يُحْسِنُهُ.» الف) المُترادف لِكلمَة «إنسان»: ب) المُترادف لكلمة «ظَنَّ»: ج) المُتضادّ لِكلمَة «عازِم»:	۰/۷۵
۳	عَيِّنِ الكَلِمَةَ الغريبَة في المَعنَى: (دی خارج ۱۴۰۲) ۱) نُقّاد ۲) طُلّاب ۳) تُفّاح ۴) عُمّال	۰/۲۵
۴	الف) أُكتُب المُفرد لِما تَحتهُ خطٌّ: «حَوائِجُ النّاسِ إليكم مِن نِعَمِ اللهِ علَيكُم.» ب) أُكتُب الجَمع لِما تحته خطٌّ: «وَقَعَ نَظَرُ الطّبيبِ إلَى العَظْمِ المَكسورِ.»	۰/۵
۵	تَرجِمِ الآيات و العبارات إلَى الفارسيَّة: الف) ﴿وَ ما أُبَرِّئُ نَفْسي إنَّ النَّفْسَ لَأَمّارَةٌ بِالسّوءِ﴾ (۰/۵) (دی خارج ۹۷) ب) ﴿ذلكَ الكتابُ لا رَيبَ فيه هُدىً لِلمُتَّقينَ﴾ (۰/۵) (شهریور ۱۴۰۲) ج) لَعلَّكُم لا تُميتونَ قُلوبَكم بكثرَة الطَّعام و الشَّراب. (۰/۷۵) د) لَيتَ الرّجلَ الكافِرَ يَذكُرُ اسمَ الله علَى طَعامِهِ. (۰/۵) هـ) لا تَفخرْ بالنّسَبِ فَإنَّ النّاسَ مِن جِهةِ الآباءِ أَكْفاء. (۰/۷۵) و) مَن لا يَطلُبْ بالعِلمِ بَدلاً فَهوَ عاقلٌ. (۰/۵) ز) لِنُطعِمِ المَساكينَ وَ الفُقَراءَ مِمّا نَأكلُ. (۰/۵) ح) لَم يَحسبِ الفاخِرُ بالنَّسَب أنّ دَواءَ داءِهِ يَكونُ تَفكُّراً. (۰/۷۵) ط) حاولَ مُحمّدٌ أن يَفوزَ بعلمٍ نافعٍ و يُخرِجَ نَفسَهُ مِن الجَهلِ. (۰/۷۵) ی) لا أَسُبُّ الَّذينَ يَدعونَ مِن دونِ اللهِ لِكَيلا يَسُبّوا اللهَ. (۰/۷۵) ك) سُئِلَ الْمُديرُ: أَ في الْمَدرَسَةِ طالِبٌ؟ فَأجاب: لا، لا طالِبَ هُنا. (۰/۷۵) (دی خارج ۹۹)	۷
۶	انتَخِبِ الصّحيحَ في التَّرجَمَة: الف) نَصحَ الرّجل العالِمُ جُهّالاً يُسارعونَ في الكُفرِ. ۱) مرد دانا، نادانی را نصیحت کرد که در کفر شتاب ورزیده بود. ۲) مرد دانا، نادان‌هایی را نصیحت کرد که در کفر شتاب می‌ورزیدند. ب) قاتِلوا في سَبيلِ اللهِ صَفّاً و لا تَخافوا مِن الأعداء. ۱) صف در صف در راه خدا بجنگید و از دشمنان نترسید. ۲) صف در صف در راه خدا جنگیدند و از دشمنان نترسیدند.	۰/۵
۷	كَمِّلِ الفَراغاتِ في التَّرجمة الفارسيّة: الف) حَضرَ السَّيّاحُ في قاعَة المَطارِ لكنَّ الدَّليلَ لَم يَحضُرْ. (شهریور ۹۹) گردشگران در سالن ..... حاضر شدند، ولی ..... حاضر نشد. ب) كونوا في صَلاتِكُم خاشِعينَ وَ أَحسِنوا إلَى الضُّعَفاءِ. در نمازتان، فروتن ..... و به ناتوانان	۱

ردیف	سؤالات	نمره
۸	تَرجِم الأفعال الَّتي أُشيرَ إليها بِخَطٍّ: «كَتَمَ: پنهان كرد» الف) صَديقي العزيز! لا تَكتُمِ الحقيقةَ. (شهریور ۱۴۰۱) ب) إنَّهُ ما كانَ قَد كَتَمَ ما يَعلمُ. (شهریور ۱۴۰۱) ج) أولئكَ كانوا يَكتُمونَ أسرارَ حياتِهم. «أَفلَحَ: رستگار شد» د) لا يُفلِحُ الرّجال المُحتالونَ. هـ) لَن تُفلِحَ المَرأةُ الّتي تَظلمُ الآخرينَ. و) قَد أَفلَحَ المُؤمِنونَ المُخلصونَ.	۱/۵
۹	عيّن الفعل المُناسب لِلفراغ: الف) ..... أصدقائي أنَّ الصَّبرَ مِفتاحُ الفَرَج. ۱) يَعلَمُ ۲) يَعلَمانِ ۳) يَعلَمونَ ب) يا زَميلي ..... عَلَى جِلدِ الكِتابِ. ۱) لا تَكتُبْنَ ۲) لا تَكتُبي ۳) لا تَكتُبْ	۰/۵
۱۰	اِبحَثْ عَن هذهِ الأسماء في الجُمَل: «كانَ في المَدرسَةِ تلميذٌ جائعٌ. (خرداد خارج ۱۴۰۰) - ذِكرَياتي مَكتوبَةٌ في دَفترٍ. - ﴿وَ جادِلْهُم بِالَّتي هيَ أَحسَنُ﴾» (شهریور ۱۴۰۱) الف) اسم التّفضيل ب) اسم المَكان ج) اسم الفاعل د) اسم المفعول تَرجِم ما أُشير إليه بخطٍّ: هـ) ذلكَ العُنصُرُ مُوَصِّلٌ لِلحَرارَةِ وَ الْكَهرَباءِ. و) اشتَريتُ العَصّارَةَ الفَرنسيَّةَ مِن هُناكَ.	۱/۵
۱۱	عيّن ما فيه حرفٌ مِن الحروف المشبَّهة بالفعل: ۱) إنْ تُصِرّوا علَى العُدوان تَجِدوا الخِلافَ. ۲) إنّهُ سَوفَ يَكْتُبُ أَفكارَهُ عَلَى الْوَرَقَةِ. ۳) قَرّرَ التّلاميذُ أن يَذهبوا إلَى المَكتَبَة.	۰/۲۵
۱۲	عَيِّنِ العِبارَةَ الّتي فيها لا النّافيةُ لِلجِنسِ: ۱) هَل تَقعُ الحَديقَة العامَّة قُربَ بَيتِك؟ لا، هي بَعيدةٌ عَن بَيتي. ۲) عليكَ ألّا تَقتربَ مِن الأحمَق الّذي يَضرّ النّاسَ بِسُلوكِهِ. ۳) أتكلَّمُ معَ طالبٍ لا رَجاءَ لَهُ لِلنَّجاح في الامتِحانات.	۰/۲۵
۱۳	انتَخِبِ المُناسِبَ لِلفَراغ: الف) يَتمنَّى العالِمُ: ..... هذه الجماعَة يَنتَبهونَ قبلَ المَوتِ. (لكِنَّ - أنَّ - لَيتَ) ب) لَعلَّ ..... الجامِعَةِ يُشارِكونَ في هذه الجلسَة. (أَساتِذَةُ - أَساتِذَةَ - أَساتِذَةٍ) ج) لا باحِثَ ..... لِلمُسافرَة إلَى بلادٍ يَملكُ فيها الأراذِلُ. (مُشتاقٍ - مُشتاقاً - مُشتاقٌ)	۰/۷۵
۱۴	عَيِّن نَوعَ «لا» في العبارات: الف) لا شَيءَ أجمَلُ مِن العَفوِ عِندَ القُدرَةِ. ب) يا زَميلاتي، لِمَ لا تَكْتُبْنَ التَّرجمَةَ؟ ج) لا نَسكتُ أمامَ الَّذي يُريدُ سَلب حَقّنا.	۰/۷۵
۱۵	عَيِّن المَحَلَّ الإعرابيَّ لِما تَحته خطٌّ: الف) كَأَنَّ إرضاءَ جَميعِ النّاسِ غايَةٌ لا تُدرَكُ. ب) لا مُؤمِنَ كاذِبٌ علَى الآخَرينَ.	۱
۱۶	عيّن الصّحيح في التّحليل الصّرفيّ و الإعراب: «لا يَرحَمُ اللهُ مَن لا يَرحَمُ النّاسَ.» الف) يَرحمُ: ۱) فعلٌ مضارعٌ، حروفه الأصليَّة «ر ح م»، معلومٌ / فعل و الجملةُ فعليّةٌ ۲) فعلٌ مضارعٌ، مفردٌ مذكّرٌ مُخاطبٌ، مُتعدٍّ / فعلٌ و مع فاعلهِ جملةٌ فعليَّةٌ ب) اللهُ: ۱) اسم، مفردٌ، مُعرَّفٌ بأل / مفعولٌ و منصوبٌ ۲) اسم، مذكّرٌ، مُعرَّفٌ بالعلميَّة / فاعلٌ و مرفوعٌ	۰/۵
۱۷	عيّن الصّحيح لِلتّوضيحات التّالية: (كلمتانِ زائدتانِ) (أَبصَرَ / البُنيانُ / تَفاخَرَ / الطّينُ / البُخلُ / اللَّحمُ) الف) مادَّةٌ حَمراءُ مِن جِسم الحيوانِ تُصنَعُ مِنهُ الأطعِمَةُ. ب) خَصلَةٌ لا تُشاهَدُ في المُؤمن. ج) نَظرَ إلَى شَيءٍ بِعَينِهِ و شاهَدَهُ. د) مَكانٌ مُناسبٌ لِلسُّكونَةِ.	۱

ردیف	سؤالات	نمره
۱۸	اِقرَأ النّصّ التّالي ثُمَّ أَجِبْ عَن الأَسئلَة: «يَومُ البَعثِ هُوَ اليَومُ الَّذي يَجتَمع فيهِ جَميعُ البَشَـرِ وَفقاً لِتَعاليم الإسـلام أمام الله لِتُحاسَـب أعمالُهم الَّتي قاموا بها في الدُّنيا. قبلَ هذا اليَوم تَحدثُ أحداث (وقايع) عَجيبةٌ في الأرض و في السَّماء. يُؤكّد القُرآن و الأحاديث أنَّ وقت القيامَة لا يَعلمهُ إلّا اللهُ.» الف) مَن يَعلمُ وَقت القيامَة؟ ب) لِماذا يَجتمعُ النّاسُ في يَوم القيامَة؟ ج) مَتَى تَحدثُ حادثاتٌ عَجيبةٌ في الأرض و في السَّماء؟ د) عيّن الصّحيح حَول يَوم البَعث: ۱) يَقدر الإنسان ألّا يَحضرَ ذلك اليوم أمامَ ربّه. ۲) يَحضرُ الإنسان ذلك اليوم أمامَ ربّه و تُحاسَبُ أعمالُهُ.	۱
	موفّق باشید.	۲۰

آزمون ۲

موضوع آزمون: درس اول (۲)

صفحات پاسخ: ۷۶ تا ۷۹

امتحان نهایی: عربی ۳	رشته: ادبیات و علوم انسانی	تألیفی	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه

ردیف	سؤالات	نمره
۱	تَرجِم الكلمات الّتي تحتها خطٌّ: الف) كَأَنَّكَ مُتَرَدِّدٌ في انتِخاب المِهنَة. ب) نَجحَ زُملائي في الامتِحانِ سِوى زَميلٍ. ج) اَلنّاسُ مِن جِهةِ الآباءِ أَكْفاءُ . (دی ۱۴۰۰) د) اِشـتريتُ الخَيطَ الأبيَض مِن هُناكَ.	۱
۲	أُكتُب: «أَبصَرَ مُحمّدٌ مَناظِرَ جميلَةً. - الّذينَ لا يَهتمّونَ بالعِلم مَوتَى. - يُحاولُ الطّبيبُ لِمُعالجَة الدّاءِ العَجيب.» الف) المُترادف لكلمة «المَرَض»: ب) المُترادف لكلمة «شاهَدَ»: ج) المُتضادّ لكلمة «أَحياء»:	۰/۷۵
۳	عَيّنِ الكَلِمَةَ الغريبَة في المَعنَى: (دی ۱۴۰۰) ۱) الفِضَّة ۲) الطّينَة ۳) الذَّهَب ۴) النُّحاس	۰/۲۵
۴	الف) أُكتُب المُفرد لِما تَحتهُ خطٌّ: «كونوا نُقّادَ الكَلام.» (خرداد خارج ۱۴۰۰) ب) أُكتُب الجَمع لِما تحته خطٌّ: «تُصنَعُ الأطعمَةُ اللَّذيذةُ مِن اللَّحمِ.»	۰/۵
۵	تَرجِم الآيَة و العبارات إلَى الفارسيَّة: الف) ﴿قالَ أعلَمُ أنَّ اللهَ عَلَى كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ﴾ (۰/۵) ب) لا سوءَ أسْوَأُ مِنَ الْكَذِب. (۰/۵) (خرداد ۱۴۰۲) ج) نُصِحْنا بِأخذ الحقّ مِن أهل الباطل و إطعامِ المَساكين مِمّا نَأكُلُ. (۰/۷۵) د) لعلَّ العُمّالُ يَقومونَ بِبناء بُنيانٍ مرصوصٍ. (۰/۵) هـ) لا تُجالِسِ الجاهِلَ الّذي يُبرّئُ نفسَهُ و يَأمرُ النّاسَ بالسّوء. (۰/۷۵) و) نَعرفُ عنصراً فلزّياً يَكونُ مُوصّلاً لِلحرارة و الكَهرباء. (۰/۵) ز) لَيتَ النّاسَ يَفتَخِرونَ بِحَياءٍ وَ عَفافٍ و أَدبٍ. (۰/۵) (خرداد ۱۴۰۳) ح) قَد يَسبُّ رجلٌ الّذينَ يَدعونَ مِن دون اللهِ. يَكونُ الرّجلُ مِن أحبَّةِ والِدكَ. (۰/۷۵) ط) يَفوزُ النّاسُ بِعلمٍ و عَليهم أن لا يَطلُبوا بِهِ بَدلاً. (۰/۷۵) (شهریور ۱۴۰۲) ی) يَزعمُ محمّدٌ أنَّ فَصلَ السّنَةِ الأوّلَ طَويلٌ في بَلَدِهِ و يَظنُّ أنَّ الصَّيفَ قَصيرٌ هُناكَ. (۰/۷۵) ك) لِيَحتَرِمْ كُلُّ شابٍّ مُسلمٍ الَّذينَ يُقاتلونَ في سَبيل اللهِ صَفّاً. (۰/۷۵)	۷

ردیف	سؤالات	نمره
۱۷	اِقرَأ النّصّ التّالي ثُمَّ أَجِبْ عَن الأَسئلَة: (خرداد ۱۴۰۳) «لِبَعضِ الأولادِ أَخٌ أو أختٌ مِنَ الرَّضاعَةِ لَيسوا مِن أُمٍّ واحِدةٍ. هؤلاءِ الإخوانُ وَ الأَخواتُ يَلعَبونَ مَعاً فِي صِغَرِ سِنّهِم، وَ هُم كَالأصدِقاء. وَ عِندَما يُواجِهونَ مُشكِلَةً يَتَعاوَنونَ على حَلِّها. هذه المُساعَدةُ تُسَبِّبُ تَعزيزَ العلاقاتِ (تحكيم روابط) بَينَهُم.» الف) ماذا يَفعَلُ الأولادُ عِندَ مُواجَهَةِ مُشكِلَةٍ؟ ب) مَتى يَلعبُ الأولادُ مَعاً؟ ج) ما هي نَتيجةُ مُساعَدَةِ الأولادِ؟ د) عَيِّنَ الصَّحيحَ حَسبَ النَّصِّ: ۱) لَعِبُ الأَولادِ لَيسَ لَه دَورٌ في الصَّداقَةِ بَينَهم. ۲) اَلأَولادُ مِنَ الرَّضاعَةِ لَيسوا مِن أُمٍّ واحِدةٍ.	۱
	موفّق باشید.	۲۰

آزمون ۷

موضوع آزمون: نیم‌سال اول (۱)

صفحات پاسخ: ۹۱ تا ۹۳

امتحان نهایی: عربی ۳	رشته: ادبیات و علوم انسانی	تألیفی	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه

ردیف	سؤالات	نمره
۱	تَرْجِمِ الكَلِماتِ الّتي تَحْتَها خَطٌّ: الف) فِيكَ اِنْطَوَى الْعَالَمُ الأكْبَرُ. ب) عَمِلَ أَلْفِرد عَلَى تَطْوِيرِها مُجِدّاً. ج) أَيُّهَا الْفاخِرُ جَهلاً بِالنَّسب. د) العَصَبُ خَيْطٌ أبيَضُ فِي الجِسْمِ.	۱
۲	أُكْتُب: «عِندَ عَودَةِ والدتي من الدّائرة شَعَرتُ بداءٍ شديدٍ في رأسي. - لدولة الصّين سورٌ مُرتَفِعٌ.» الف) المُتَضادّ لكلمة «الصِّحة»: ب) المُتَرادِف لكلمة «الجدار»: ج) المترادف لكلمة «رُجوع»:	۰/۷۵
۳	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَريبَةَ في المَعْنى: ۱) الجَوْز ۲) الشَّيْخ ۳) العَجُوْز ۴) اليَافِع	۰/۲۵
۴	الف) أُكتب الجمعَ لِما تَحتَه خَطٌّ: «لا تُميتُوا القُلوبَ بِكثرَةِ الطَّعامِ وَ الشَّرابِ.» ب) أُكتُبِ المُفردَ لِما تَحتَه خَطٌّ: «هذه التِّلالُ في قريتنا.»	۰/۵
۵	تَرْجِمِ الآياتِ و العِباراتِ إلَى الفارِسيَّةِ: الف) ﴿كَانَ النّاسُ أُمَّةً واحِدَةً فَبَعَثَ اللهُ النَّبيّينَ مُبَشِّرينَ﴾ (۰/۵) ب) ﴿إنَّ اللهَ لَذو فَضلٍ عَلَى النّاسِ وَ لكِنَّ أكثر النّاسِ لا يَشكُرونَ﴾ (۰/۵) ج) ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللهِ لِنْتَ لَهُم وَ لَوْ كُنْتَ فَظّاً غَلِيْظَ الْقَلْبِ لَانْفَضّوا مِنْ حَوْلِكَ ...﴾ (۰/۷۵) د) قَد يَغرِسُ المزارعونَ فسائلَ جديدةً و هُم يَعلمُونَ أنّها لا تُثمرُ إلّا بَعدَ مَوتِهم. (۰/۷۵) هـ) تَمُرُّ سَنَوات مِنْ وفاةِ أُمّي و لكنّني لَن أنسي تَقبيل أُمّي. (۰/۷۵) و) لا شَيْءَ أَحْسَنُ مِنَ الْعَفْوِ عِندَ الْقُدرَةِ. (۰/۵) ز) سَهَّلَ الانسانُ أَعمالَهُ الصَّعْبَةَ في حَفْرِ الْأَنفاقِ وَ شَقِّ القَنَوات. (۰/۵) ح) فِي غَزْوةِ حُنَينَ وَقَعَتِ الشَّيْماءُ أَسِيرَةً بِيَدِ الْمُسْلِمِينَ. (۰/۵) ط) تَرَاهُم خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ. هَلْ سِوَى عَظْمٍ وَ لَحْمٍ وَ عَصَبْ؟ (۰/۷۵) ی) يا ربِّ! أبقِ لَنا مُحَمَّداً حَتَّى أراه يافِعاً وَ أمْرَدا. (۰/۷۵) ك) الْحُوْتُ يُصَادُ لِاسْتِخْرَاجِ الزَّيْتِ مِنْ كَبِدِهِ لِصِناعَةِ مَوَادِّ التَّجْمِيلِ. (۰/۷۵)	۷

ردیف	سؤالات	نمره
۶	اِنتَخِبِ الصَّحِيحَ فِي التَرجِمَةِ: الف) كانَ والدُ آلفرد قدْ أَقامَ مَصْنَعاً لِصناعَةِ هذه المادَّةِ. ۱) پدر آلفرد کارگاهی برای ساخت این ماده برپا کرده بود. ۲) پدر آلفرد موسّس کارخانه‌ای برای ساخت این ماده بود. ب) اِنْفِجارُ الْمُخْتَبَرِ لَمْ يُضْعِفْه في مُواصلةِ عَمَلِهِ. ۱) او از منفجرشدن آزمایشگاه در رسیدن به کارش ضعیف نشد. ۲) انفجار آزمایشگاه او را در ادامهٔ کارش ضعیف نکرد.	۰/۵
۷	كَمِّلِ الفَراغاتِ فِي التَرجِمَةِ الفارسيّة: الف) شَاهَدْتُ الفَلَّاحِينَ و هُم يَجْمَعُونَ المَحاصِيلَ. کشاورزان را دیدم ..... محصولات را ..... ب) إنَّ دُنياكُم عِندي لَأهوَنُ مِن وَرَقَةٍ في فَمِ جَرادَةٍ تَقضَمُها. بی‌گمان، دنیای شما نزد من ..... از برگی در دهان ملخی است که آن را	۱
۸	تَرْجِمِ الأفْعالَ التّالِيةَ: «عَمِلَ: کار کرد» الف) لِيَعْمَلِ هؤلاء العُمّالُ بِدِقّةٍ. ب) التّلاميذُ لَمْ يَعْمَلُوا بِواجِباتِهم. ج) أنا لا اَعْمَلُ في المعمَلِ. «اِمْتَنَعَ :خودداری کرد» د) لا نَمْتَنِعْ عَنِ الأكْلِ وَ الشُّربِ. هـ) النّاسُ كانوا يَمْتَنِعُونَ عَنِ العَمَلِ. و) لَنْ تَمْتَنِعي عَن تَكْريمِ المُعلِّمةِ. «تَذَكَّرَ: به یاد آورْد» ز) قد أتَذَكَّرُ ذكرياتي. ح) إنْ تَذَكَّرْتَنى أشْكُرُكَ.	۲
۹	عَيِّنِ المَحَلَّ الإعرابيَّ لِلكَلِماتِ الّتي تَحتَها خَطٌّ في مَا يَلِي: الف) رَأيْنَا قاسِماً وَ هُوَ جَالِسٌ بَيْنَ الشَّجَرَتَينِ عِنْدَ أَصدِقائِه الأوفياءِ. ب) كانَ النَّبيُّ (ص) شَديدَ التَّعَلُّقِ بِها في الطُّفولَةِ. ج) حِزامُ الأمانِ شَريطٌ يَستَعمِلُهُ رُكّابُ الطّائراتِ وَ السَّياراتِ. د) يأكُلُ من ثِمارِ هذه الْأشجارِ الْآخَرونَ.	۲
۱۰	عَيِّنِ اِسْمَ الْفاعِلِ و اِسْمَ الْمفعولِ و اِسْمَ الْمُبالَغَةِ و اِسْمَ المَكانِ في العِبارَةِ التّالِيةِ: «النّاسُ مَشْغُولُونَ بالتِجارَةِ. - ﴿إنّ النَّفسَ لَأَمّارَةٌ بِالسّوءِ﴾ - يَبقَى الْمُحسِنُ حَيّاً وَ إنْ نُقِلَ إلى منازِلِ الْأَمواتِ.»	۱
۱۱	الف) عَيِّنِ العِبارَةَ الّتي جاءَتْ فِيهَا «لا» النّافيةُ لِلجِنسِ: ۱) لا تَكَبَّرْ في قَلبِ المُؤمِنِ. ۲) لا تَتَكَبَّرْ عَلَى الآخَرينَ. ۳) لا نَتَكَبَّرُ علَى النّاسِ. ب) عَيِّنِ الحَرفَ المُشَبّهةَ بِالفِعلِ فِي العِبارَةِ: «اِبْحَثْ عَنْ مَعْنَى «العَصّارَةِ» فِي الْمُعْجَمِ؛ لَعَلَّ الْكَلِمَةَ مَكْتُوبَةٌ فِيهِ» «حرف مشبّهة بالفعل: .....»	۰/۵
۱۲	كَمِّلِ الفَراغَ بِالكَلِمةِ المُناسِبَةِ: الف) وَصَلَتِ التِّلميذَتانِ إلى المَدرَسَةِ ..... (مُتَأَخِّرَتانِ - مُتأَخِّرِينَ - مُتأَخِّرَتَينِ) ب) المُتَفَرِّجُونَ ..... في مَكانِهِم غَداً. (لَمْ يَجْلِسُوا - لا تَجْلِسُوا - لَنْ يَجْلِسوا) ج) ..... الأصدقاءُ أمْسِ. (يَتَكاتَبُ - تَكاتَبَ - تَكاتَبُوا) د) جاء المعلِّمونَ إلى قاعة الامتحان، ..... أكثر الطُّلّاب كانوا غائِبينَ. (إنَّ - لَيتَ - لكنَّ)	۱
۱۳	ضَعْ فِي الفَراغِ الكَلِمةَ المُناسِبَةَ: (كَلِمَتانِ زَائِدَتانِ) (أَطعَمةٌ / القَناة / التَّل / المختبر / المَصانع / التَّقْنِيَة) الف) ..... مِنْطَقَةٌ مُرْتَفِعَةٌ فَوْقَ سَطْحِ الْأَرضِ، أَصْغَرُ مِنَ الْجَبَلِ. ب) ..... مجموعةٌ من الْاختِراعاتِ العِلْميَّة وَ الْابتِكارات الحديثة. ج) قَامَ ألْفِردُ بِـإنشاءِ عَشَراتِ ..... فِي عِشْرِينَ دَوْلَةً. د) تُصنَع ..... مِن مادّةٍ حَمراء من جسم بعض الحيوانات.	۱

ردیف	سؤالات	نمره
۱۴	اِقْرَأ النَّصَّ التّالِيَ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الأسئِلَةِ التّالِيَة: «قامَ العلماءُ بمحاولاتٍ كثيرةٍ على مرّ السـنينَ مِن أجلِ تَقَدُّمِ العلوم، و على رَغم المشـاكِل الصَّغيرة و الكبيرة بعضُهم اِستَطاعوا أن يخدموا البشـريَّةَ في المجالاتِ المختلفةِ. فَقَد سَـهَّلوا أعمالَ النّاسِ الصَّعبَةَ. كان أحد هؤلاء العلماء ألفرد نوبل. اِنفَجَرَ مُختبرُه و قُتِلَ أخَوه الْأَصغَرُ، لكنَّه وَاصَلَ عَمَلَهُ و قَدَّمَ خدمةً كبيرةً للإنسانية.» أجِب عن الأسئلة: الف) ما هي نتيجة محاولات العلماء في العالَم؟ ب) مَنْ قُتِلَ فِي المُخْتَبَرِ؟ عَيِّن الصَّحِيحَ أو الخَطَأ: ج) أخو نوبل خَرَّبَ المُختَبَرَ. ۱) الصَّحيح ۲) الخَطأ د) إنَّ كُلّ العلماء قَد أفادوا الإنسانَ. ۱) الصَّحيح ۲) الخَطأ عَيِّنِ التحليل الصرفيّ و المحلّ الاعرابيّ لما تحته خطٌّ: هـ) اِنفَجَرَ: ۱) فعلٌ ماضٍ، مفرد مذكّر غائب، لازم، مبنيّ / فعل و فاعله «مُختبر» و الجملةُ فعليّةٌ ۲) فعلٌ ماضٍ، مزيد ثلاثي من باب انفعال، متعدٍّ / فعل و فاعله ضمير مستتر «هو» و) الْأَصغَرُ: ۱) اسم، مفرد مذكّر، اسم تفضيل / صفة ۲) اسم، معرفة، مبنيّ / مضاف إليه	۱/۵
	موفّق باشيد.	۲۰

آزمون ۸

موضوع آزمون: نیم‌سال اول (۲)

صفحات پاسخ: ۹۳

امتحان نهایی: عربی ۳	رشته: ادبیات و علوم انسانی	تألیفی	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه

ردیف	سؤالات	نمره
۱	تَرجِم الكلمات الَّتي تحتها خطٌّ: الف) فيكَ انْطَوَى الْعالَمُ الأكبر. ب) عَمل على تطويرها مجدّاً. ج) شَعَرَ نوبل بِخَيْبَةِ الأَمَلِ مِنْ هٰذَا الْعُنوانِ. د) يَومُ البَعثِ يَوم الحسرَة لِلكُفّار.	۱
۲	عيّن المُتضادّ و المُترادف في النّصّ التّالي: «والِدي المُزارع سـاعدَ الفَلّاح الآخَر الَّذي طَلبَ مِنهُ النَّصرَ. - نحنُ مُعجَبونَ بِهذه السَّـمكَة و أولادنا مُشـتاقونَ إِلَى تَغذيَتِها. - نَسيَ أحبَّتي ذِكريات الحجّ لكنَّ أخي تَذكّرها.» الف) ..... = ... ب) ..... = ... ج) ..... ≠	۰/۷۵
۳	عَيِّنِ الكَلِمَةَ الغَريبَة في المَعنى: ۱) الشَّيخ ۲) الجَوز ۳) اليافِع ۴) العَجوز	۰/۲۵
۴	أُكتُب المطلوبَ مِنكَ: الف) جَمع كَلمَة «النَّحو»: ب) مُفرَد كلمَة «السُّيّاح»:	۰/۵
۵	اِنتَخِبِ الكلمَة المُناسبَة للتّوضيحات التّالية: الف) مَفسدةٌ يَبتَعدُ المُؤمنُ عَنها: ..... ۱) الإحسان ۲) اللَّحم ۳) الغَضب ب) أَصْغَرُ مِنَ الْجَبَلِ فَوقَ سَطحِ الْأَرضِ: ..... ۱) الظَّن ۲) التَّل ۳) القَناة	۰/۵

آزمون ۱۷

موضوع آزمون: نیم‌سال دوم (۱)

صفحات پاسخ: ۱۱۰ تا ۱۱۲

امتحان نهایی: عربی ۳	رشته: ادبیات و علوم انسانی	تألیفی	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه

ردیف	سؤالات	نمره
۱	تَرجِم الكلمات الَّتي تحتها خطٌّ: الف) طَلبتُ مِن اللهِ إنارَةَ قَلبي. ب) يَرخُصُ سِعرُ تلكَ الفاكهَة في نَهايَةِ الصَّيفِ. ج) قَرَأتُ مَطالبَ عَن الأمطار الحَمضيَّةِ. د) لِماذا كَثُرَ عَدَدُ فِئران الحَقل؟	۱
۲	أُكتُب: «بَعدَ سِنينَ شاهَدَ المُزارعُ أنَّ الخَضراواتِ بِالمَزْرعَةِ تَتَعَرَّضُ لِلأكلِ وَ التَّلَفِ. - أعطَى خَبيرٌ كِتاباً نافِعاً لي.» الف) المُترادف لكلمة «أعوام»: ب) المُترادف لكلمة «الفَلّاح»: ج) المُتضادّ لكلمة «أَخَذَ»:	۰/۷۵
۳	عَيِّنِ الكَلِمَةَ الغريبَة في المَعنَى: ۱) الإخوَة ۲) الأُمَّهات ۳) الأَجداد ۴) الآبار ۵) الأَخَوات	۰/۲۵
۴	الف) أُكتُب المُفرد لِما تَحتهُ خطٌّ: «شَكَرنا طَبّاخي تلكَ الأَطعِمَةُ اللَّذيذَةُ.» ب) أُكتُب الجَمع لِما تحته خطٌّ: «نَظَرتُ إلَى تِمثالِ شَهيدٍ مَعروفٍ.»	۰/۵
۵	تَرجِمِ الآيات وَ العبارات إلَى الفارسيَّة: الف) ﴿إنّا نَحنُ نَزَّلْنا عَلَيكَ القُرآنَ تَنزيلاً﴾ (۰/۵) ب) ﴿لا يَيأَسُ مِن رَوحِ اللهِ إلّا القَومُ الكافِرونَ﴾ (۰/۵) ج) اِجعَلِ اليَومَ سَعيداً وَ كَثيرَ البَرَكاتِ. (۰/۵) د) لَعلَّ كُلَّ التّلاميذِ يَحضرونَ في صالَةِ الإمتِحانات. (۰/۵) هـ) يَتبَعُ الحَيَوانُ المُفْتَرِسُ هذِهِ الْفَريسَةَ. (۰/۵) و) مَن اقتَدَى بِإمامِهِ حاولَ إرضاءَهُ. (۰/۵) ز) قَد أَضعفُ عَن كِتمان أسراري. (۰/۵) ح) كانَ هؤلاء الفتيَةُ يَنصحونَ النّاسَ بِوَرَعٍ وَ اجتِهادٍ وَ عِفَّةٍ وَ سَدادٍ. (۰/۷۵) ط) اِعلَمْ بِأنَّ لِلطَّبيعَةِ نِظاماً يَحْكُمُ جَميعَ الْمَوْجوداتِ. (۰/۵) ی) نَبتَعِدُ عَن نَشاطاتٍ تُهدِّدُ نظامَ الطّبيعَةِ. (۰/۵) ك) لا أُريدُ أن أَظلِمَ كَما لا أُريدُ أن أُظلَمَ. (۰/۷۵) ل) اَلحياةُ مُستَمِرَّةٌ سَواءٌ ضَحِكْتَ أَم بَكَيتَ. (۰/۵) م) لا يَقتلُ صاحبُ المَزرعَةِ العاقِلُ البُوماتِ. (۰/۵)	۷
۶	اِنتَخِبِ الصّحيحَ في التَّرجمَةِ: الف) لا أَترُكُ حَبيباً بِسَبَبِ زَلَّةٍ؛ لِأَنَّني لَن أَجدَ أَحَداً كامِلاً إلّا اللهَ. ۱) نبايد يک دوست را به خاطر لغزشی رها کنم، زيرا کسی کامل را به جز خدا پيدا نخواهم کرد. ۲) دوستی را به خاطر يک لغزش رها نمی‌کنم، زيرا کسی کامل جز خدا پيدا نخواهد شد. ب) سَتُشاهِدونَ مَشاكِلَ جَديدَةً بَعدَ التَّعدّي علَى نظام الطّبيعَة. ۱) بعد از دست‌درازی کردن به نظم طبيعت، مشکلات جديد را می‌بينيد. ۲) پس از دست‌درازی کردن به نظم طبيعت، مشکلاتی جديد را خواهيد ديد.	۰/۵

ردیف	سؤالات	نمره
۷	كَمِّلِ الفَراغاتِ في التَّرجمَة الفارسيّة: الف) أَعرفُ السَّمكَ الّذي يَستُرُ نَفسَهُ عِندَ الجَفافِ في غِلافٍ. ماهی‌ای را می‌شناسم که خودش را هنگام ..... در ..... می‌پوشاند. ب) أَخَذتُ أُصحِّحُ أخطائي العَظيمَةَ بالحِفاظِ علَى الطُّيور. ..... به تصحیح خطاهای ..... با نگهداری از پرندگان کردم.	۱
۸	تَرجِم الأفعال الَّتي أُشيرَ إليها بِخَطٍّ: «عَبدَ: عبادت کرد» الف) شاهَدتُ رَجلاً يَعبدُ الأصنامَ. ب) ﴿يا أَيُّهَا النّاسُ اُعبُدوا رَبَّكُم الَّذي خَلَقَكُم﴾ ج) لا يَعبُدُ المُوحِّدُ ما تَعبُدونَ. «تَحدَّثَ: سخن گفت» د) لَن يَتحدَّثَ هذا المَسؤول الغافِل عَن نُفوذِ العَدوِّ. هـ) لَم يَتحدَّثِ المُديرُ عَن الإمتِحانات. و) لِنَتَحَدَّثْ عَن أهمّيّة العلم. «أَعانَ: یاری کرد» ز) سَلَّمتُ علَى زميلَةٍ أَعانَتْني في كتابَةِ تَماريني. ح) قَد أعانَ مُحَمَّدٌ أخي في حَلِّ مُشكلتِهِ.	۲
۹	عَيِّن المَحَلَّ الإعرابيَّ لِلكلمات الَّتي تحتها خطٌّ: الف) الميزانُ آلَةٌ يُعرَفُ بِها وَزنُ شَيءٍ. ب) يا تِلميذَ الصّفِّ أَحْبِبْ لِغَيرِكَ ما تُحِبُّ لِنَفسِكَ. ج) ﴿رَبَّنا إنَّنا سَمِعنا مُنادياً يُنادي لِلإيمانِ﴾ د) ﴿كُلُّ شَيءٍ هالِكٌ إلّا وَجهَهُ﴾	۲
۱۰	مَيِّز في العباراتِ: «اُذكُروا بَعض أسماءِ اللهِ الحُسنَى. - كُلُّ عَينٍ باكيَةٌ يَومَ القيامَةِ إلّا ثَلاثَ أَعيُن. - قَرَأَ الرَّجلُ العَلّامَةُ مَصادِرَ الكِتاب التّاريخيّ.» الف) اسم التَّفضيل ب) اسم المَكان ج) اسم الفاعل د) اسم المبالغَة	۱
۱۱	مَيِّزْ في العباراتِ التّاليَةِ: «مُخطِئٌ، استَغفِرِ اللهَ لِذَنبِكَ. - لا تَعلَمُ زَميلاتي اللُّغَةَ الايطاليَّة إلّا فاطمَةَ. - يَتقبَّلَ اللهُ الأَدعيَةَ تَقبُّلاً.» الف) المُستَثنى ب) المُستَثنى مِنه ج) المُنادَى د) المَفعولَ المُطلَق هـ) نوعَ المَفعول المُطلَق	۱/۲۵
۱۲	عيّن مَصدراً يُفيدُ التَّشبيهَ: ۱) اجتَهَدْتِ لِتربيَة الأولاد اجتِهادَ الأُمّهاتِ المُشفقات. ۲) لِنَقرَأْ هذِهِ القِصَّةَ القَصيرَةَ المُفيدَةَ قِراءَةً دقيقةً.	۰/۲۵
۱۳	عيّن الصّحيح في التّحليل الصّرفيّ و الإعراب: «تَدَخُّلُ الإنْسانِ في أُمورِ الطَّبيعَةِ يُؤَدّي إلىٰ اختِلالِ تَوازُنِها.» الف) يُؤَدّي: ۱) فعلٌ مضارعٌ «يَأتي مصدرهُ علَى وزن تَفعُّل»، مَجهولٌ / فعل و الجملةُ فعليّةٌ ۲) فعلٌ مضارعٌ، لِلمفرد المُذكّر الغائب، مَعلومٌ / خَبر و الجملةُ فعليّةٌ ب) تَوازُن: ۱) اسم المصدر، مفردٌ، مُعربٌ / مُضاف إليه و المُضاف «اختِلالِ» ۲) اسم، مذكّرٌ، مُعرَّفٌ بأل / صفةٌ و مَجرورةٌ بالكَسرَة و مَوصوفها «اختِلالِ»	۰/۵
۱۴	عيّن الصّحيح لِلتّوضيحات التّالية: (كلمتانِ زائدتانِ) (العَجوزُ / البَسمَةُ / الجَوزُ / المَدعُوُّ / الرِّداءُ / الأَسمِدَةُ) الف) مَوادُّ تُستَخدَمُ لِتَقويَةِ التُّرابِ الضَّعيفِ. ب) قِطعَةٌ مِنَ قُماشٍ يُلبَسُ فَوقَ المَلابِسِ كَالعَباءَةِ. ج) ضَحِكٌ خَفيفٌ بِلا صَوتٍ. د) ثَمَرَةٌ يُكسَرُ قِشرُها لِتَناوُلِها.	۱

ردیف	سؤالات	نمره
۱۵	اِقرَأ النّصّ ثُمَّ أَجِبْ عَن الأَسئلَة التّالية: «دَخَلَ رَسـولُ اللهِ (ص) في مَسـجِدٍ. كانَ فِي المَسجِدِ جَماعَتانِ. جَماعَةٌ يَتَفَقَّهونَ وَ جَماعَةٌ يَدعونَ اللهَ وَ يَسألونَهُ. فَقالَ: كِلَا الجَماعَتَينِ إِلَى خَيْرٍ. أمّا هؤلاءِ فَيَدعونَ اللهَ؛ وَ أمّا هؤلاءِ فَيَتَعَلَّمونَ وَ يُفَقِّهونَ الجاهِلَ. هؤلاءِ أفضَلُ. بِالتَّعليمِ أُرسِلتُ. ثُمَّ قَعَدَ مَعَهُم.» الف) مَن قامَ بالدُّخولِ في مَسجِدٍ؟ ب) مَعَ مَن جلسَ رَسولُ اللهِ (ص)؟ ج) أ كانَ المَسجدُ فارغاً مِن النّاسِ؟ د) أيّ جَماعة كانوا أَحسَن عِندَ رَسول اللهِ (ص)؟	۱
	موفّق باشید.	۲۰

آزمون ۱۸

موضوع آزمون: نیم‌سال دوم (۲)

صفحات پاسخ: ۱۱۲ تا ۱۱۴

امتحان نهایی: عربی ۳	رشته: ادبیات و علوم انسانی	تألیفی	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه

ردیف	سؤالات	نمره
۱	تَرجِم الكَلِمات الَّتي تحتها خطٌّ: الف) نَعرفُ مُهَدِّداتِ نِظامِ الطَّبيعَةِ. ب) نُريدُ مِن مُجيبِ الدَّعواتِ النَّجاح في الحَياةِ. ج) يَكونُ قِشرُ ثَمرَةِ هذه الشّجرَة صُلباً. د) تَحمُّلُ مَشاكِلِ الحَياة مُؤلِمٌ لَكَ.	۱
۲	أُكتُب: «يَعيشُ هذا السَّمَكُ داخِلَ حُفرَةٍ في انتِظارِ نُزولِ المَطَرِ. - الوَلدُ المُؤمِنُ يَقعُدُ أَمامَ والِدِهِ بِالأَدَبِ. - يُشارِكُ مُحمّدٌ في أَكثَرِ المُبارَياتِ العلميَّة.» الف) المُترادف لكلمة «المُسابَقات»: ب) المُترادف لكلمة «يَجْلِسُ»: ج) المُتضادّ لكلمة «يَموتُ»:	۰/۷۵
۳	عَيِّنِ الكَلِمَةَ الغريبَة في المَعنَى: ۱) الطّائِر ۲) الخِداع ۳) الأَفراخ ۴) الوُكنَة	۰/۲۵
۴	الف) أُكْتُب المُفرد لِما تَحتهُ خطٌّ: «هؤلاءِ العَجائِزُ يَلتَزمون بِصِدق الحَديث.» ب) أُكتُب الجَمع لِما تحته خطٌّ: «تَخرُجُ المَوادُّ المُخاطيَّةُ مِن فَمِ السَّمَكِ المَدفون.»	۰/۵
۵	تَرجِم الآيات وَ العبارات إِلَى الفارسيَّة: الف) ﴿إِنّا فَتَحْنا لَكَ فَتحاً مُبيناً﴾ (۰/۵) ب) ﴿يا إبليسُ ما لَكَ أَلّا تَكونَ مَعَ السّاجِدينَ﴾ (۰/۵) ج) أُحاولُ أَن لا تَتعرَّضَ الخَضراواتِ بمَزرَعتي لِلتّلفِ. (۰/۷۵) د) لَعلَّ اللهَ يَجعلُ التَّوفيقَ حَظّي في الحَياةِ. (۰/۵) هـ) نَهتمُّ بِنَظافَةِ الْبيئَةِ اهْتِمامَ المُواطِنِ الفَهيم. (۰/۵) و) وَ أَنزِلْ عُقول كُلَّ أولادي بِالعُلومِ النّافِعاتِ. (۰/۵) ز) يَغُرُّ طولُ الأَمَلِ مَن يُحبُّ لذّاتِ الدُّنيا. (۰/۵) ح) هُناكَ رَوابطُ مُتداخِلةٌ بينَ الكائناتِ الحيّةِ وَ بيئَتِها. (۰/۵) ط) يُقالُ إنَّ سَيِّدَ الكَلامِ القُرآنُ. (۰/۵) ى) قَرَّرَ الصَّيّادونَ الإفريقيّونَ حَفْرَ التُّرابِ الجافِّ. (۰/۵) ك) لَمّا قُتِلَت البوماتُ خَرجَتِ الْبيئَةُ مِن حالَتِها الطَّبيعيَّةِ. (۰/۷۵) ل) لا تُستَرُ الأَسماكُ تَحتَ الطّينِ إلّا ذلكَ السَّمَكَ. (۰/۵) م) مَن هَجرَ صَديقاً بِسَبب زَلَّةٍ فَهُو جاهِلٌ. (۰/۵)	۷

مرورنامه

درس اول

حروف مشبهة بالفعل

إنَّ
- همانا، یقیناً، قطعاً، بی‌شک ...
- در جملهٔ عربی و ترجمهٔ فارسی باید اوّل جمله بیاید.
- اگر به شکل «إنّما» بیاید از حروف مشبّهة بالفعل نیست و به معنای «فقط، تنها و ...» است.
- بر کلّ جملهٔ پس از خود تأکید می‌کند. التأکید للجملة بأجمعها.

أنَّ
- که
- وسط جمله می‌آید و آن‌ها را به هم وابسته می‌کند. ⟸ یَربِطُ الجُملَتینِ
- «لأنَّ» به معنی «زیرا، برای اینکه» است.

لکنَّ
- اما، ولی
- میان دو عبارت در وسط جمله و برای کامل کردن جملهٔ قبل و رفع ابهام آن می‌آید.
- آن را با «لکنْ» اشتباه نگیرید.

کأنَّ
- گویی، مانند، همچون، گویا، مثل اینکه و ...
- گاهی برای تشبیه و گاهی برای حدس، گمان و تردید به کار می‌رود.

لیتَ
- کاش، ای کاش
- برای بیان آرزوهای محال یا غیرممکن به کار می‌رود.
- لیت ... + مضارع ← مضارع التزامی

لعلَّ
- شاید که، باشد که، امید است که
- برای بیان امیدواری در امور
- لعلَّ ... + مضارع ← مضارع التزامی

قواعد کلی
- این حروف با جملهٔ اسمیه می‌آیند و اسم و خبر دارند.
- بلافاصله بعد این حروف، فعل نمی‌آید. (لیتَ ترجعُ ... ← غلط)
- بعد این حروف، اسم یا ضمیر متصل می‌آید ولی با ضمیر منفصل نمی‌آیند. (کأنَّ أنت ... ← غلط)

انواع «لا»

لا + مضارع

نفی (نافیه)
- روش تشخیص: لا + مضارع بدون تغییر
- ترجمه: مضارع منفی — مثال: لا یَکْتُبُ: نمی‌نویسد

نهی (ناهیه)
- روش تشخیص: لا + مضارع مجزوم (انتهای فعل ساکن یا نون حذف باشد)
- ترجمه
  - نهی مخاطب — ترجمه: امر «دستوری» منفی — مثال: لا تَذْهَبْ: نرو
  - نهی غائب و متکلم — ترجمه: نباید + مضارع التزامی
- مثال: لا یَذْهَبُوا: نباید بروند • لا نَذْهَبْ: نباید برویم

نفی جنس

روش تشخیص: لا + اسم

ویژگی‌های اسم لای نفی جنس
- «ال» ندارد.
- تنوین ندارد.
- غالباً مفرد است.
- نکره است.
- فتحه «ـَ» دارد.

ویژگی‌های خبر لای نفی جنس
- مرفوع است.
- گاهی حذف می‌شود. مثال: «لا إلهَ إلّا الله» (محذوف است.)

ترجمه
- هیچ ... نیست/ وجود ندارد.
- در برخی اصطلاحات مثل «لا شکّ» نیازی به ترجمهٔ «هیچ» نداریم.

کاربرد: نفی مطلق - نفی أشدّ - نفی کامل

لای جواب
- کاربرد: معمولاً در جواب «هل - أ: آیا» به کار می‌رود.
- ترجمه: نه

آزمون ۱۹

موضوع آزمون
کل کتاب (۱) - شبه‌نهایی

صفحات پاسخ
۱۱۴

امتحان نهایی: عربی ۳	رشته: ادبیات و علوم انسانی	تألیفی	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه

ردیف	سؤالات	نمره
۱	تَرجِم الكلمات الّتي تحتها خطٌّ: الف) تكلّمْنا مَعاً حَولَ تَلوُّثِ الهَواء. ب) لا يَطلبُ المرءُ العاقلُ بِالعِلمِ بدلاً. ج) غَرستَ فَسيلَةَ جَوزٍ قَبلَ يومٍ. د) علَينا بِاستِخدامِ المُخترَعات الحَديثَةِ.	۱
۲	أُكتُب: «يا ولدي العَزيز أُنظُر إلَى الحادِثات نَظرَةَ المُتفائِل. - العائلُ المَجفُوُّ يَحتاجُ إلَى المُساعَدَة.» الف) المُترادف لكلمة «الإعانَة»: ب) المُترادف لكلمة «المَطرود»: ج) المُتضادّ لكلمة «المُتشائِم»:	۰/۷۵
۳	عَيِّنِ الكَلِمَةَ الغريبَة في المَعنَى: ۱) الدّاء ۲) الحَظّ ۳) الطّبيب ۴) المَرضَى	۰/۲۵
۴	الف) أُكتُب المُفرد لِما تَحتهُ خطٌّ: « إلهي أَنِرْ عَقلي بالعُلوم النّافِعاتِ.» ب) أُكتُب الجَمع لِما تحته خطٌّ: «صاحِبُ تلكَ المَزرعَة راجَعَ خَبيرَ الزّراعَةِ.»	۰/۵
۵	تَرجِمِ الآيات و العبارات إلَى الفارسيَّة: الف) ﴿لا عِلْمَ لَنا إلّا ما عَلَّمْتَنا﴾ (۰/۵) ب) ﴿يا عِبادي الَّذينَ آمَنوا إنَّ أرضي واسِعَةٌ﴾ (۰/۵) ج) جلَسَتِ الشّيماءُ علَى رِداءِ رَسول اللهِ (ص) مُعزَّزَةً. (۰/۵) د) لَو استَخدَمتُم الدّيناميتَ لَسُهِّلَ عليكُم شَقُّ القَناةِ. (۰/۷۵) هـ) يا صَديقي الغَنيّ ما لَكَ ألّا تُحسِنَ إلَى الفقَراء؟ (۰/۵) و) لَعلَّكُم تُعينونَ إمامكُم بِوَرَعٍ وَ سَدادٍ. (۰/۵) ز) إذا حاولَ الإنسانُ إرضاءَ جَميع النّاسِ نَدمَ. (۰/۵) ح) كانَ الطّائرُ الذّكيّ يُنقِذُ حَياةَ فراخِه بِخِداع عَدوّه. (۰/۷۵) ط) صَحَّحَ زارِعٌ خطأهُ العَظيم الّذي قَتلَ البومات. (۰/۵) ی) لا يَستوي الّذينَ يتفقَّهونَ و الجُهّالُ. (۰/۵) ك) لاحَظتُ أنَّكُم تَسبّونَ الّذينَ يَدعونَ مِن دون الله. (۰/۵) ل) يُحمّلُنا صاحِبُ العَمل ما لا نَقدر علَيه تَحميلاً. (۰/۵) م) ما أنشَأَ مَصانِعَ لِاشتِغال الفتيَةِ إلّا المُحسِنونَ. (۰/۵)	۷
۶	اِنتَخِبِ الصّحيحَ في التَّرجمَةِ: الف) لا تَسلُبِ اليَتيمَ أموالَهُ. ۱) نباید از یتیم دارایی‌هایش را به زور بگیری. ۲) از یتیم دارایی‌هایش را به زور نگیر. ب) قَد فقَّهَ العالِمُ المُجتَهد بَعضَ النّاسِ. ۱) دانشمندی تلاشگر، گاهی بعضی از مردم را دانا می‌کند. ۲) دانشمند کوشا، برخی از مردم را دانا کرده است.	۰/۵
۷	كَمِّلِ الفَراغاتِ في التَّرجمَة الفارسيّة: الف) دَعَتِ البنتُ المُؤمنَة والدَيها إلَى الإسلامِ و هُما لا يَعرفانِ الإسلام. دختر باایمان، ..... را به اسلام فراخواند، ..... آن‌ها اسلام را نمی‌شناختند. ب) أتمنّى أن يُعتَقَ جَميع الأسرَى و يَخرجوا مِن الأسرِ. ..... که همهٔ اسیران ..... و از اسارت خارج شوند.	۱

ردیف	سؤالات	نمره
۸	تَرجِم الأفعال الَّتي أُشيرَ إليها بِخَطٍّ: «سَهِرَ: بیدار ماند» الف) قَد تَسهرُ أُختي لِمُطالعَة دُروسِها. ب) لِيَسهرِ المُمرّضُ كُلَّ اللّيلِ. ج) شَربْنا القَهوَة لِكي نَسهرَ كلَّ اللّيلِ. «قَعَدَ: نشست» د) اِقعَدوا مَعَ مَن يَحترمُهُ العُلماءُ. هـ) لَن يَقعدَ الأفاضِل مَع الأراذِل. و) لَم يَقعُدْ أبي المُوحّدُ مَع الكُفّار. «كَتَبَ: نوشت» ز) لَيتَ ذلكَ الزَّميلَ يَكتبُ واجباتِه بِدقَّةٍ. ح) سَيَكتبُ أخي ذِكرَياتِهِ في دَفترٍ.	۲
۹	أُكتُبِ المَحَلَّ الإعرابيَّ لِما تَحته خطٌّ: الف) خُلِقَ الإنسانُ مِن طينَةٍ. ب) أَ تَزْعَمُ أَنَّكَ جِرْمٌ صَغيرٌ؟ ج) لَم يَفتخرْ أصدقائي بالنّسَبِ إلّا مَحموداً. د) لا تُعامِلِ النّاسَ مُعاملَةَ الفَظِّ.	۲
۱۰	مَيِّز في العباراتِ: «كأنَّ حَبيبي مُتَرَدِّدٌ في شِراء العَصّارَة. - قَرَأتُ الكِتابَ التاريخيّ إلّا مَصادِرَهُ. - ﴿وَ جعَلْنَا السَّماءَ سَقفاً مَحْفوظاً﴾» الف) اسم المَفعول ب) اسم المَكان ج) اسم الفاعل د) اسم المبالغَة	۱
۱۱	مَيِّزْ في الآيةِ و العباراتِ التّاليَة: «﴿وَ لا تَهِنوا وَ لا تَحزَنوا وَ أَنتُمُ الأعلَونَ﴾ - اِنزَعَجَ والِدي مِن عَمَلي القَبيح انزعاجاً. - شارَكَ أولادي في مَجالِسِ الوَعظِ إلّا كاظِماً. - رَبِّ املَأِ الصَّدرَ انشِراحاً وَ فَمي بِالبَسَماتِ.» الف) المُستَثنى ب) المُستَثنى مِنه ج) المُنادَى د) المَفعولَ المُطلَق هـ) نوعَ المَفعول المُطلَق و) الحال	۱/۵
۱۲	عيّن الصّحيح في التّحليل الصّرفيّ و الإعراب: «إنّي تَخَلَّصْتُ مِنَ الْبوماتِ بِقَتْلِ الكَثيرِ مِنْها.» الف) تَخَلَّصْتُ: ۱) فعلٌ ماضٍ، حروفه الأصليّة «خ ل ص»، مجهولٌ / فعل و الجملةُ فعليّةٌ ۲) فعلٌ ماضٍ، لِلمُتكلّم وحدَه، مَعلومٌ / خَبر الحرف المشبّهة بالفعل و الجملةُ فعليّةٌ ب) الكَثير: ۱) اسم، مفردٌ، مُعرَّفٌ بأل / مُضاف إليه و المُضاف «قَتْل» ۲) اسم، مذكّرٌ، مُعرَّفٌ بالعلميّة / صفةٌ و مَجرورةٌ بالكَسرَة	۰/۵
۱۳	عيّن الصّحيح لِلتّوضيحات التّالية: (كلمتانِ زائدتانِ) (التّائب / اليافع / الجائع / المَأدُبَة / الخَبير / العَجوز) الف) مائدَةُ الضّيافَة الّتي يَجلسُ الحُضّار علَيها. ب) الرَّجُلُ أو المَرأةُ الكَبيرَةُ في السِّنِّ. ج) مَن يُريدُ إصلاحَ أعمالِهِ القَبيحَة. د) عالِمٌ مُتَخَصِّصٌ بِأُمورِ مِهْنَةٍ أَوْ عَمَلٍ أَوْ بَرنامَجٍ.	۱
۱۴	اِقرَأ النّصّ التّالي ثُمَّ أَجِبْ عَن الأَسئلَة: «يُوجَدُ نَوعٌ مِن الأسماكِ في إفْريقيا يُسمَّى السّمكَ المَدفونَ. هُو يَستُرُ نَفسَهُ عِندَ الجَفافِ في غِلافٍ مِنَ المَوادِّ المُخاطيَّةِ الَّتي تَخرُجُ مِن فَمِهِ وَ يَدفِنُ نَفسَهُ تَحتَ الطّين، ثُمَّ يَنامُ نَوماً عَميقاً أكثَرَ مِن سَنَةٍ. يَعيشُ السّمكُ المَدفونُ داخِلَ حُفرَةٍ صَغيرَةٍ في انتِظارِ نُزولِ المَطَر.» الف) فيمَ يُستَرُ السَّمَكُ المَدفونُ؟ ب) كَم مُدَّةً يَنامُ السَّمَكُ المَدفونُ؟ ج) أ يَسكنُ السَّمَكُ المَدفونُ داخِلَ حُفرَةٍ كَبيرَةٍ؟ د) كَيفَ يَعيشُ السَّمَكُ المَدفونُ داخلَ حُفرَةٍ؟ ۱) يَعيشُ مُنتَظِراً لِوُصول الصَّيّادينَ. ۲) يَعيشُ مُنتَظِراً لِنُزول المَطَر.	۱
	موفّق باشید.	۲۰

پاسخ آزمون (۱) - درس اول (۱)

۱ الف) گِل (تکّه گِلی) (ص ۳) ب) به هم پیچیده می‌شود (ص ۲) - «یَنطَوي» فعل مضارع از صیغهٔ مفرد مذکّر غائب به معنای «به هم پیچیده می‌شود» است.
ج) مایـهٔ تباهـی (ص ۱۳) د) اسـتوار و محکم (ص ۸) - «مَرصوصٌ» اسـم مفعول از فعل ثلاثی مجرّد بر وزن «مَفعول» به معنای «استوار» است. (هر مورد ۰/۲۵)

۲ الـف) امْـرِئٍ (ص ۲) - «إنسـان» و «امْرِئٍ» با هم متـرادف و به معنای «انسان» هستند. ب) زَعمَ (ص ۲) - «ظَنَّ» و «زَعمَ» با هم مترادف و به معنای «گمان کرد، پنداشت» هستند. ج) مُتَرَدِّدٌ (ص ۸) - «عازِم: مصمّم» و «مُتَرَدِّدٌ: دودل» با هم متضاد هستند. (هر مورد ۰/۲۵)

۳ ۳ «تُفّاح» (ص ۱۳) (۰/۲۵) - «نُقّاد: نقدکنندگان»، «طُلّاب: دانشجویان» و «عُمّال: کارگران» با هم ارتباط معنایی دارند؛ اما «تُفّاح: سـیب» از نظر معنایی ارتباطی با سایر کلمات ندارد.

۴ الف) حاجَة (ص ۱۷) (۰/۲۵)

نکته به تفاوت معنایی کلمات مشابه دقّت کنیم. مثال: مفرد «حَوائِج: نیازها» به صورت «حاجَة» می‌آید و نه «احتیاج».

ب) العِظام (ص ۳) (۰/۲۵)

نکته به تفاوت معنایی کلمات مشابه دقّت کنیم. مثال: جمع «العَظْم: استخوان» به صورت «العِظام» می‌آید و نه «الأَعاظِم: بزرگ‌ترها، مفرد: الأعظَم».

۵ الف) و نفسـم را بی‌گناه نمی‌شـمارم؛ زیرا نفس، بسـیار دسـتوردهنده به بدی است. (ص ۱۵) (۰/۵)

نکته گاهی حرف «ما» فعل مضارع را منفی می‌کند. مثال: «ما أُبَرِّئُ: بی‌گناه نمی‌شمارم»
اسم مبالغه بر بسیاری صفت یا اسم ابزار یا اسم شغل دلالت دارد و بر وزن «فَعّال» و «فَعّالَة» می‌آید. مثال: «أَمّارَة: بسیار دستوردهنده»

ب) آن کتاب که هیچ شکّی در آن نیست، هدایتی برای پرهیزگاران است. (ص ۱۰) (۰/۵)

نکته «لای» نفی جنس بر سر اسم می‌آید و وجود چیزی را به صورت کامل نفی می‌کند. فراموش نکنیم که بعد از «لای» نفی جنس اسمی می‌آید که نه «ال» دارد و نه «تنوین» و حرکت آخر آن، فتحه است. «لا» در «لا رَیبَ فیهِ» از نوع «لای» نفی جنس به معنای «هیچ ... نیست» می‌باشد.
در ترجمهٔ اسم، به مفرد و جمع بودن اسم دقّت کنیم. مثال: «المُتّقینَ» جمع مذکّر سالم به معنای «پرهیزگاران» است و نباید به صورت مفرد «پرهیزگار» ترجمه شود.

ج) شاید (امید است) شما دل‌هایتان را با زیادی غذا و نوشیدنی نمی‌رانید. (ص ۱۳) (۰/۷۵)

نکته «لعلَّ» از حروف مشبّهة بالفعل به معنای «شاید، امید است» می‌باشد و برای بیان امید به کار می‌رود.
حروف مشبّهة بالفعل بر سر ضمایر متصل نیز می‌آیند «لعلَّ + ـکُم = لعلَّکُم»
هرگاه پس از حرف «لَعلَّ» فعل مضارع بیاید؛ فعل مضارع به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود. مثال: «لَعَلَّکُم لا تُمیتونَ: امید است شما نمی‌رانید»
حرف «لا» منفی‌کنندهٔ فعل مضارع است و تغییری در انتهای فعل مضارع ایجاد نمی‌کند.
به تفاوت معنای افعال ثلاثی مجرّد و ثلاثی مزید دقّت کنید. مثال: «ماتَ: مُرد»، «أماتَ: میراند»

د) کاش مرد کافر، نام خدا را بر غذایش یاد کند. (ص ۱۳) (۰/۵)

نکته «لَیتَ» از حروف مشبّهة بالفعل به معنای «کاش» است و برای بیان آرزو به کار می‌رود.
هرگاه پس از حرف «لَیتَ» فعل مضارع بیاید؛ فعل مضارع به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود. مثال: «لَیتَ ... یَذکُرُ: کاش یاد کند»

هـ) به دودمان افتخار نکن، پس همانا (زیرا) مردم از جهت پدران، یکسان (همتا) هستند. (ص ۲ و ۳) (۰/۷۵)

نکته برای ساختنِ فعل نهی مخاطب، «لای» نهی را بر سر فعل مضارع از صیغهٔ مخاطب می‌آوریم و آخر فعل را ساکن می‌کنیم و «ن» آخر فعل را به جز در صیغهٔ جمع مؤنّث حذف می‌کنیم. مثال: «لای نهی + تَفخَرُ = لا تَفخَرْ: افتخار نکن»
در ترجمه به مفرد و جمع بودن اسم دقّت کنیم. مثال: «الآباء: پدران» اسم جمع مکسّر به معنای «پدران» است و نباید به صورت مفرد «پدر» ترجمه شود.

و) هرکس جانشینی برای (با) دانش نخواهد، خردمند است. (ص ۲) (۰/۵)

نکته در اسلوب شرط، فعل شرط را به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌کنیم.
هرگاه جواب شرط از نوع جملهٔ اسمیه باشد، قبل از آن حرف «فَـ» می‌آید.
«مَن» ادات شرط به معنای «هرکس» است. «لا یَطلبْ» فعل شرط و مضارع است و به صورت مضارع التزامی «نخواهد» ترجمه می‌شود. «هو عاقلٌ» جواب شرط از نوع جملهٔ اسمیه است و پیش از آن، حرف «فَـ» آمده است.

ز) باید به درماندگان و نیازمندان از آنچه می‌خوریم، خوراک دهیم. (ص ۱۰) (۰/۵)

نکته چنانچه «لِـ» امر به غائب و متکلّم بر سر فعل مضارع بیاید؛ این فعل مضارع، معادل مضارع التزامی در فارسی است. در این حالت آخر فعل مضارع ساکن می‌شود و «ن» آخر فعل مضارع به جز در صیغهٔ جمع مؤنّث حذف می‌شود. مثال: «لِنُطعِمِ» فعل امر به متکلّم به معنای «باید خوراک دهیم» است و کسره در آخر «لِنُطعِمِ» از نوع کسرهٔ عارضی می‌باشد که نشانهٔ ساکن بودن آخر فعل مضارع است.
«نَأکُلُ» فعل مضارع از صیغهٔ متکلّم مع الغیر به معنای «می‌خوریم» است.

ح) افتخارکننده به دودمان گمان نکرد (نپنداشت) که داروی بیماری‌اش، اندیشیدن می‌باشد. (ص ۲ و ۳) (۰/۷۵)

نکته هرگاه پس از حرف «لَم» فعل مضارع بیاید؛ فعل مضارع به صورت «ماضی سادهٔ منفی» یا «ماضی نقلی منفی» ترجمه می‌شود. مثال: «لَم یَحسبِ: گمان نکرد، گمان نکرده است»
اسم فاعل از فعل ثلاثی مجرّد (فعل فقط سه حرفی) بر وزن «فاعِل» ساخته می‌شود. مثال: اسم فاعل از فعل «فَخَرَ: افتخار کرد» به صورت «فاخِر: افتخارکننده» می‌آید.
«أنَّ» از حروف مشبّهة بالفعل به معنای «که» است و دو جمله را به هم پیوند می‌دهد و معمولاً میان دو جمله می‌آید.

ط) محمّد تلاش کرد که دانشی سودمند را به دست بیاورد و خودش را از نادانی بیرون بیاورد. (ص ۲) (۰/۷۵)

نکته هرگاه پس از حرف «أنْ» فعل مضارع بیاید؛ فعل مضارع به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود. مثال: «أنْ یَفوزَ بِـ: که به دست بیاورد»
در ترجمهٔ ترکیب وصفی که از دو اسم نکره تشکیل شده است، «ی» نکره را به صفت یا موصوف می‌دهیم. مثال: «علمٍ نافِعٍ: دانشی سودمند، دانش سودمندی»

ی) کسانی را که به جای خدا فرا می‌خوانند، دشنام نمی‌دهم تا به خدا دشنام ندهند. (ص ۱۲) (۰/۷۵)

نکته حرف «لا» منفی‌کنندهٔ فعل مضارع است و تغییری در انتهای فعل مضارع ایجاد نمی‌کند. مثال: «لا أسُبُّ: دشنام نمی‌دهم».
هرگاه پس از حرف «لِکَي» فعل مضارع بیاید؛ فعل مضارع به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود. مثال: «لِکَیلا یَسُبّوا: تا دشنام ندهند»
هرگاه میان حروف «أن، کَي، لِکَي، حَتّی» و فعل مضارع، حرف «لا» بیاید؛ از نوع «لای» نفی مضارع می‌باشد. مثال: «لِکَیلا یَسُبّوا: تا دشنام ندهند»

ک) از مدیر سؤال شد: آیا دانش‌آموزی در مدرسه است؟ پس پاسخ داد: نه، هیچ دانش‌آموزی اینجا نیست. (ص ۱۶) (۰/۷۵)

نکته در فعل ماضی مجهول، حرکت دومین حرف اصلی فعل «کسره» و حرکت تمام حروفِ متحرّک (حرکت‌دار) قبل از آن، «ضمّه» است. مثال: فعل مجهول از «سَأَلَ: سؤال کرد» به صورت «سُئِلَ: سؤال شد» می‌آید.

نکته «لای» نفی جنس بر سر اسم می‌آید و وجود چیزی را به صورت کامل نفی می‌کند. فراموش نکنیم که بعد از «لای» نفی جنس اسمی می‌آید که نه «ال» دارد و نه «تنوین» و حرکت آخر آن، فتحه است. مثال: «لا» در «لا طالِبَ هُنا» از نوع «لای» نفی جنس به معنای «هیچ ... نیست» می‌باشد.

۶ الف) ۲ (ص ۱۲) – «جُهّالاً» اسم جمع مکسّر به معنای «نادان‌هایی» است و نباید به صورت مفرد «نادانی» در ترجمه بیاید.

نکته فعل ماضی + اسم نکره + فعل مضارع: فعل دوم معادل ماضی استمراری ترجمه می‌شود.

«یُسارعونَ» فعلی مضارع دربارهٔ اسم نکرهٔ قبل از خودش «جُهّالاً» است و چون قبل از آن فعل ماضی «نَصَحَ» آمده است؛ لذا «یُسارعونَ» به صورت ماضی استمراری «شتاب می‌ورزیدند» ترجمه می‌شود.

ب) ۱ (ص ۸) – «قاتِلوا» فعل امر مخاطب از «تُقاتِلونَ» به معنای «بجنگید» است و نباید به صورت ماضی «جنگیدند» ترجمه شود. «لا تَخافوا» فعل نهی مخاطب از «تَخافونَ» به معنای «نترسید» است و نباید به صورت ماضی منفی «نترسیدند» ترجمه شود. (هر مورد ۰/۲۵)

۷ الف) فرودگاه / راهنما (ص ۱۶) (هر مورد ۰/۲۵)

نکته به تفاوت معنایی کلمات مشابه دقّت کنیم. مثال: «المَطار: فرودگاه»، «الطَّیّار: خلبان»، «المطر: باران»، «الطائرة: هواپیما»، «الطائر: پرنده»، «الطّیر: پرندگان»

ب) باشید / نیکی کنید (ص ۱۳ و ۱۵) (هر مورد ۰/۲۵)

نکته برای ساختنِ فعل امر مخاطب، حرف مضارعه را حذف می‌کنیم و اگر پس از حذف حرف مضارعه، با حرف ساکن برخورد کردیم، در ابتدای فعل، همزهٔ امر را قرار می‌دهیم و آخر فعل را ساکن می‌کنیم و «ن» آخر فعل را به جز در صیغهٔ جمع مؤنّث حذف می‌کنیم.

«کونوا» فعل امر مخاطب از «تَکونونَ» به معنای «باشید» است. – «أَحسِنوا» فعل امر مخاطب از «تُحسِنونَ» به معنای «نیکی کنید» است.

۸ الف) پنهان نکن (ص ۱۵) (۰/۲۵)

نکته برای ساختنِ فعل نهی مخاطب، «لای» نهی را بر سر فعل مضارع از صیغهٔ مخاطب می‌آوریم و آخر فعل را ساکن می‌کنیم و «ن» آخر فعل را به جز در صیغهٔ جمع مؤنّث حذف می‌کنیم. مثال: «لای نهی + تَکتُمُ = لا تَکتُمْ: پنهان نکن»

هرگاه در آخر فعل مضارع حرکت کسره دیدید، آن فعل حتماً مجزوم است و حرکت کسره برای رفع التقای ساکنین یعنی آمدن اسم «ال»دار بعد از فعل است.

ب) پنهان نکرده بود (ص ۱۵) (۰/۲۵)

نکته هرگاه «کانَ» بر سر «قَد + فعل ماضی» بیاید، با فعل «ماضی بعید» روبه‌رو هستیم. مثال: «ما کانَ قَد کَتَمَ: پنهان نکرده بود»

ج) پنهان می‌کردند (ص ۱۵) (۰/۲۵)

نکته هرگاه «کانَ» بر سر فعل مضارع بیاید، فعل مضارع به صورت «ماضی استمراری» ترجمه می‌شود. مثال: «کانوا یَکتُمونَ: پنهان می‌کردند»

د) رستگار نمی‌شوند (ص ۱۵) (۰/۲۵)

نکته حرف «لا» منفی‌کنندهٔ فعل مضارع است و تغییری در انتهای فعل مضارع ایجاد نمی‌کند. مثال: «لا یُفلِحُ: رستگار نمی‌شود»

هرگاه فعل در ابتدای جمله از صیغهٔ غائب بیاید و بعد از آن اسمی به عنوان فاعل بیاید؛ در این حالت فعل به صورت مفرد می‌آید، هر چند فاعل آن اسمی مثنّی یا جمع باشد. اما باید دقّت کنیم که در ترجمه، فعل مطابق با صیغهٔ فاعل می‌آید. مثال: «لا یُفلِحُ الرِّجال المُختالونَ: مردان خودپسند رستگار نمی‌شوند.»

هـ) رستگار نخواهد شد (ص ۱۵) (۰/۲۵)

نکته هرگاه پس از حرف «لَن» فعل مضارع بیاید؛ فعل مضارع به صورت مستقبل منفی ترجمه می‌شود. مثال: «لَن تُفلِحَ: رستگار نخواهد شد»

و) رستگار شده‌اند (ص ۱۵) (۰/۲۵)

نکته چنانچه حرف «قَد» بر سر فعل ماضی بیاید؛ این فعل، به صورت ماضی نقلی ترجمه می‌شود. مثال: «قَد أَفلَحَ: رستگار شده است»

هرگاه فعل در ابتدای جمله از صیغهٔ غائب بیاید و بعد از آن اسمی به عنوان فاعل بیاید؛ در این حالت فعل به صورت مفرد می‌آید، هر چند فاعل آن اسمی مثنّی یا جمع باشد. اما باید دقّت کنیم که در ترجمه، فعل مطابق با صیغهٔ فاعل می‌آید. مثال: «قَد أَفلَحَ المُؤمِنونَ المُخلصونَ: مؤمنان بااخلاص، رستگار شده‌اند.»

۹ الف) یَعلَمُ (ص ۱۶) (۰/۲۵)

نکته هرگاه فعل در ابتدای جمله از صیغهٔ غائب بیاید و بعد از آن اسمی به عنوان فاعل بیاید؛ در این حالت فعل به صورت مفرد می‌آید، هر چند فاعل آن اسمی مثنّی یا جمع باشد. مثال: «یَعلَمُ أصدقائي أنَّ الصَّبرَ مِفتاحُ الفَرَج.»

ب) لا تَکتُبْ (ص ۱۴) (۰/۲۵) – در جای خالی باید فعل نهی از صیغهٔ مفرد مذکّر مخاطب «لا تَکتُبْ» بیاید؛ زیرا اسم مفرد مذکّر «زَمیل» مورد خطاب قرار گرفته است.

۱۰ الف) أَحسَنُ (ص ۱۵) (۰/۲۵)

نکته اسم تفضیل در حالت مذکّر بر وزن «أَفعَل» می‌آید. مثال: «أحسَن: نیکوتر».

ب) المَدرسَةِ (ص ۱۶) (۰/۲۵) – «المَدرَسَة» اسم مکان بر وزن «مَفعَلَة» است.

ج) جائِعٌ (ص ۱۶) (۰/۲۵)

نکته اسم فاعل از فعل ثلاثی مجرّد (فعل فقط سه حرفی) بر وزن «فاعِل» ساخته می‌شود. مثال: اسم فاعل از فعل «جاعَ: گرسنه شد» به صورت «جائِع: گرسنه» می‌آید.

د) مَکتوبَةٌ (ص ۸) (۰/۲۵)

نکته اسم مفعول از فعل ثلاثی مجرّد (فعل فقط سه حرفی) بر وزن «مَفعول» ساخته می‌شود. مثال: اسم مفعول از فعل «کَتَبَ: نوشت» به صورت «مَکتوب: نوشته شده» می‌آید.

اسم مفعول می‌تواند نشانه‌های مفرد مؤنّث، مثنّی مذکّر و مؤنّث و جمع مذکّر و مؤنّث را بپذیرد. مثال: «مَکتوبَةٌ» اسم مفعول و مفرد مؤنّث است.

هـ) رسانا (ص ۱۱) (۰/۲۵) – «مُوصِّلٌ» اسم فاعل از «یُوصِّلُ» به معنای «رسانا» است. و) آبمیوه‌گیری (ص ۸) (۰/۲۵)

نکته «العَصّارَة» اسم مبالغه بر وزن «فَعّالَة» به معنای «آبمیوه‌گیری» است و بر ابزار و وسیله دلالت دارد.

۱۱ ۲ (ص ۵ و ۶) (۰/۲۵) – در گزینهٔ (۲)، «إنَّ» در «إنَّهُ» از حروف مشبّهة بالفعل به معنای «همانا» است و ابتدای جمله آمده است و جملهٔ پس از خود را تأکید کرده است.

در گزینهٔ (۱)، «إنْ» ادات شرط به معنای «اگر» است. در گزینهٔ (۳)، «أنْ» در «أن یَذهبوا» از حروف ناصبه به معنای «که» است که بر سر فعل مضارع «یَذهبوا» آمده است.

نکته حروف مشبّهة بالفعل بر سر ضمایر متصل نیز می‌آیند «إنَّ + ـهُ = إنَّهُ».

۱۲ ۳ (ص ۹ و ۱۰) (۰/۲۵)

نکته «لای» نفی جنس بر سر اسم می‌آید و وجود چیزی را به صورت کامل نفی می‌کند. فراموش نکنیم که بعد از «لای» نفی جنس اسمی می‌آید که نه «ال» دارد و نه «تنوین» و حرکت آخر آن، فتحه است.

در گزینهٔ (۳)، «لا» در «لا رَجاءَ لَهُ» از نوع «لای» نفی جنس است و «لا رَجاءَ لَهُ» به معنای «هیچ امیدی ندارد» می‌باشد.

در گزینهٔ (۱)، «لا» در جواب کلمهٔ پرسشی «هَل» آمده است. در گزینهٔ (۲)، «لا» در «أَلّا تَقتربَ» از نوع «لای» نفی مضارع است.

نکته هرگاه میان حروف «أَن، کَي، لِکَي، حَتّی» و فعل مضارع، حرف «لا» بیاید؛ از نوع «لای» نفی مضارع می‌باشد. مثال: «أَلّا تَقتَرِبَ = أَنْ لا تَقتَرِبَ: که نزدیک نشوی»

۱۳ الف) لَیتَ - «لَیتَ» از حروف مشبّهة بالفعل به معنای «کاش» است و برای بیان آرزو به کار می‌رود.
با توجّه به معنای کلّی جمله، در جای خالی باید «لَیتَ: کاش» بیاید «دانشمند آرزو دارد: کاش این گروه قبل از مرگ بیدار شوند.»
ب) أَساتِذَةَ

نکته اسم حرف مشبّهة بالفعل از نظر اعراب، همواره منصوب است.
در جای خالی باید «أَساتِذَةَ» بیاید؛ زیرا نقش اسم حرف مشبّهة بالفعل را دارد و از نظر اعراب، منصوب است.
ج) مُشتاقٌ

نکته خبر «لای» نفی جنس از نظر اعراب، همواره مرفوع است.
در جای خالی باید «مُشتاقٌ» بیاید؛ زیرا نقش خبر «لای» نفی جنس را دارد و از نظر اعراب، مرفوع است. (ص ۱۶ و ۱۷) (هر مورد ۰/۲۵)

۱۴ الف) «لای» نفی جنس (ص ۱۲) (۰/۲۵) - «لا» در «لا شَیءَ» از نوع «لای» نفی جنس به معنای «هیچ ... نیست» می‌باشد. فراموش نکنیم که بعد از «لای» نفی جنس اسمی می‌آید که نه «ال» دارد و نه «تنوین» و حرکت آخر آن. فتحه است.
ب) «لای» نفی مضارع (ص ۱۴) (۰/۲۵)

نکته هرگاه بعد از کلمات پرسشی، «لا» بر سر فعل مضارع بیاید، از نوع «لای» نفی مضارع می‌باشد.
نکته حرف «لا» منفی‌کنندهٔ فعل مضارع است و تغییری در انتهای فعل مضارع ایجاد نمی‌کند. مثال: «لا تَکتُبنَ: نمی‌نویسید.»
ج) «لای» نهی (ص ۹) (۰/۲۵) - «لا» در «نَسکتْ» از نوع «لای» نهی است.

نکته برای ساختنِ فعل نهی، «لای» نهی را بر سر فعل مضارع می‌آوریم و آخر فعل را ساکن می‌کنیم و «ن» آخر فعل را به جز در صیغهٔ جمع مؤنّث حذف می‌کنیم. مثال: «لای نهی + نَسکتُ = لا نَسکتْ: نباید ساکت شویم.»
نکته اگر «لای» نهی با فعل مضارع مجزوم غائب و متکلم (منظور از مجزوم فعل مضارعی است که انتهایش ساکن یا نون از آخرش حذف شده باشد) بیاید، به صورت (نباید + مضارع التزامی) ترجمه می‌شود.

۱۵ الف) إرضاءَ: اسم حرف مشبّهة بالفعل / غایَةٌ: خبر حرف مشبّهة بالفعل (ص ۶) (هر مورد ۰/۲۵) - «إرضاءَ» نقش اسم حرف مشبّهة بالفعل را دارد و پس از حرف مشبّهة بالفعل «کَأَنَّ» آمده است. - «غایَةٌ» نقش خبر حرف مشبّهة بالفعل را دارد و معنای اسم حرف مشبّهة بالفعل را کامل می‌کند «گویی خشنود کردن همهٔ مردم هدفی است که به دست آورده نمی‌شود.» ب) مُؤمِنَ: اسم «لای» نفی جنس / الآخَرینَ: مجرور به حرف جرّ (ص ۹) (هر مورد ۰/۲۵) - «مُؤمِنَ» نقش اسم «لای» نفی جنس را دارد و پس از «لای» نفی جنس آمده است.

نکته به اسمی که پس از حرف جرّ می‌آید، مجرور به حرف جرّ می‌گویند.
«الآخَرینَ» در «علَی الآخَرینَ» نقش مجرور به حرف جرّ را دارد؛ زیرا پس از حرف جرّ «علَی» آمده است.

۱۶ الف) ۱ - «یَرحَمُ» فعل مضارع از صیغهٔ مفرد مذکّر غائب است و از صیغهٔ مفرد مذکّر مخاطب نیست. ب) ۲ - «اللهُ» اسم معرفه به علَم است و معرفه به «ال» نیست. - «اللهُ» نقش فاعل را دارد و مفعول نیست «خدا رحم نمی‌کند به کسی که به مردم رحم نمی‌کند». (ص ۱۲) (هر مورد ۰/۲۵)

۱۷ الف) اللَّحمُ (ص ۱۱) - «گوشت»، مادّه‌ای قرمز رنگ از بدنِ حیوان است که از آن غذاها درست می‌شود. ب) البُخلُ (ص ۱۳) - «خساست»، ویژگی‌ای است که در مؤمن دیده نمی‌شود. ج) أَبصَرَ (ص ۲) - «نگریست»، با چشمش به چیزی نگاه کرد و آن را دید. د) البُنیانُ (ص ۸) - «ساختمان»، مکانی مناسب برای زندگی کردن است. (هر مورد ۰/۲۵)
دو کلمهٔ «تَفاخَرَ: افتخار کرد، مباهات کرد» و «الطّینُ: گِل» زائد و اضافی هستند.

۱۸ **ترجمهٔ متن درک مطلب:** روز رستاخیز، روزی است که بنابر آموزه‌های اسلام، تمام انسان‌ها در برابر خدا جمع می‌شوند تا کارهایشان که در دنیا به آن اقدام کردند، مورد حساب قرار بگیرد. پیش از این روز، وقایعی شگفت‌انگیز در زمین و در آسمان رخ می‌دهد. قرآن و روایات تأکید می‌کنند به اینکه جز خدا، کسی وقت (زمان) قیامت را نمی‌داند.
الف) اللهُ - چه کسی زمان قیامت را می‌داند؟ خداوند. ب) لِتُحاسَبَ أعمالُهم الَّتي قاموا بها في الدُّنیا. - چرا مردم در روز قیامت جمع می‌شوند؟ تا کارهایشان که در دنیا به آن اقدام کردند، مورد حساب قرار بگیرد. ج) قَبلَ یَوم القیامَةِ «قَبلَ یَوم البَعثِ». - چه زمانی اتّفاقات شگفت‌انگیز در زمین و در آسمان رُخ می‌دهد؟ پیش از روز رستاخیز.
د) ۲ - گزینهٔ صحیح را دربارهٔ روز رستاخیز مشخص کن: گزینهٔ (۱): انسان می‌تواند که در آن روز در برابر پروردگارش حاضر نشود. (غلط: انسان قدرت حاضر نشدن در روز قیامت را ندارد) گزینهٔ (۲): انسان در آن روز در برابر پروردگارش حاضر می‌شود و کارهایش مورد حساب قرار می‌گیرد. (صحیح) (ص ۸) (هر مورد ۰/۲۵)

پاسخ آزمون (۲) - درس اول (۲)

۱ الف) دودل (ص ۸)

نکته اسم فاعل از فعل ثلاثی مزید (فعل بیش از سه حرفی) از فعل مضارع از صیغهٔ مفرد مذکّر غائب ساخته می‌شود. در این حالت، حرف «مُـ» جایگزین حرف مضارعه می‌شود و دومین حرف از حروف اصلی فعل، کسره «ـِـ» می‌گیرد. مثال: اسم فاعل از فعل «یَترَدَّدُ» به صورت «مُتَرَدِّد: دودل» می‌آید.

ب) جز (ص ۳)

نکته به تفاوت معنایی کلمات مشابه دقّت کنیم. مثال: «سَواء: یکسان»، «سِوی: جز».

ج) همتایان (همتا) (ص ۲) د) نخ (ص ۱۱) (هر مورد ۰/۲۵)

۲ الف) الدّاء (ص ۴) - «المَرَض» و «الدّاء» با هم مترادف و به معنای «بیماری» هستند. ب) أَبصَرَ (ص ۴) - «شاهَدَ» و «أَبصَرَ» با هم مترادف و به معنای «دید، نگاه کرد» هستند. ج) مَوتَی (ص ۲) - «أَحیاء: زندگان» و «مَوتَی: مردگان» با هم متضاد هستند. (هر مورد ۰/۲۵)

۳ ۲ «الطّینَة» (ص ۳) (۰/۲۵) - «الفِضَّة: نقره»، «الذَّهَب: طلا» و «النُّحاس: مس» با هم ارتباط معنایی دارند؛ اما «الطّینَة: تکّه گِل» از نظر معنایی ارتباطی با سایر کلمات ندارد.

۴ الف) ناقِد (ص ۱۳)

نکته به تفاوت معنایی کلمات مشابه دقّت کنیم. مثال: مفرد «نُقّاد: نقدکنندگان» به صورت «ناقِد» می‌آید و نه «نَقد: نقد کردن، پول».

ب) اللُّحوم (ص ۱۱) (هر مورد ۰/۲۵)

۵ الف) گفت: می‌دانم که خدا بر هر چیزی توانا است. (ص ۵) (۰/۵) - «قالَ» فعل ماضی از صیغهٔ مفرد مذکّر غائب به معنای «گفت» است.
«أعلَمُ» فعل مضارع از صیغهٔ متکلّم وحده به معنای «می‌دانم» است.

نکته «أنَّ» از حروف مشبّهة بالفعل به معنای «که» است و دو جمله را به هم پیوند می‌دهد و معمولاً میان دو جمله می‌آید.

ب) هیچ بدی، بدتر از دروغگویی نیست. (ص ۱۰) (۰/۵)

نکته «لای» نفی جنس بر سر اسم می‌آید و وجود چیزی را به صورت کامل نفی می‌کند. فراموش نکنیم که بعد از «لای» نفی جنس اسمی می‌آید که نه «ال» دارد و نه «تنوین» و حرکت آخر آن. فتحه است.
«لا» در «لا سوءَ» از نوع «لای» نفی جنس به معنای «هیچ ... نیست» می‌باشد.

نکته هرگاه پس از اسم تفضیل، حرف جرّ «مِن» بیاید (أَفعَلُ مِن ...)، معنای «برتر» دارد.
«أَسوَأُ» اسم تفضیل مذکّر بر وزن «أَفعَل» به معنای «بدتر» است و بعد از آن حرف جرّ «مِن» آمده است.

۱۶ الف) العَجوزُ (ص ۴۷) - «پیرمرد، پیرزن»، مرد یا زنِ بزرگسال است.
ب) الجَوزُ (ص ۴۷) - «گردو»، میوه‌ای است که پوستِ آن سفت و غیر قابلِ خوردن است و برای خوردنش شکسته می‌شود. ج) الفَظّ (ص ۳۹) - «تندخو»، کسی است که مردم، همنشینی با او و دوستی کردن با او را ناپسند می‌دارند. د) سَهِرَ (ص ۴۴) - «بیدار ماند»، از خوابیدن خودداری کرد و نخوابید. (هر مورد ۰/۲۵)
دو کلمهٔ «فاضَ: لبریز شد» و «القَصیرُ: کوتاه» زائد و اضافی هستند.

۱۷ **ترجمهٔ متن درک مطلب:** بعضی از فرزندان، یک خواهر یا برادر شیری (از دوران شیرخوارگی) دارند که از یک مادر نیستند. این برادران و خواهران با هم در خردسالی بازی می‌کنند و آن‌ها مانند دوستان هستند و هنگامی که با مشکلی روبه‌رو می‌شوند، برای حلّ کردن آن همیاری می‌کنند. این کمک، موجب تحکیم روابط بین آن‌ها می‌شود.
الف) یَتَعاوَنونَ علی حَلِّها. - فرزندان هنگام روبه‌رو شدن با مشکلی چه کار می‌کنند؟ برای حلّ کردن آن همیاری می‌کنند. ب) فِي صِغَرِ سِنِّهِم. - چه زمانی فرزندان با هم بازی می‌کنند؟ در خردسالی. ج) تَعزیز العلاقاتِ. - نتیجهٔ کمک فرزندان چیست؟ تحکیم روابط. د) ۲ - گزینهٔ صحیح را بر اساس متن مشخّص کن:
گزینهٔ (۱): بازی کودکان، نقشی در دوستی میان آن‌ها ندارد (غلط: بازی کودکان، نقشی مهم در دوستی میان آن‌ها دارد.) گزینهٔ (۲): فرزندان شیری از یک مادر نیستند. (صحیح) (ص ۳۸) (هر مورد ۰/۲۵)

پاسخ آزمون (۷) - نیم‌سال اول (۱)

۱ الف) به هم پیچیده شد (ص ۲) - «اِنْطَوی» فعل ماضی از صیغهٔ مفرد مذکر غائب در بابِ انفعال است. ب) بهینه‌سازی (ص ۲۳) ج) دودمان (ص ۳) د) تار (ص ۱۱) (هر مورد ۰/۲۵)

۲ الف) داء (ص ۴) - «الصِّحَة: سلامتی» و «داء: درد و بیماری» با هم متضاد هستند. ب) «الجدار» و «سورٌ» هر دو به معنی «دیوار» با هم مترادف هستند. (ص ۳۰) ج) «رُجوع» و «عَودَة» هر دو به معنی «بازگشتن» با هم مترادف هستند. (ص ۴۱) (هر مورد ۰/۲۵)

۳ ۱ «الجَوز» (ص ۳۹ و ۴۱) (۰/۲۵) - «الشَّیخ: پیرمرد»، «العَجُوز: پیر»، «الیافِع: جوان کم‌سال» با هم ارتباط معنایی دارند ولی «الجوز: گردو» ارتباطی با بقیه ندارد.

۴ الف) الأَطْعِمَة (ص ۳۶) (۰/۲۵)

نکته به تفاوت معنایی کلمات مشابه دقت کنیم. مثال: «الطَّعام: غذا»، «المَطْعَم: رستوران»
جمع کلمهٔ «الطَّعام: غذا» کلمهٔ «الأطعِمَة» است.

ب) النَّزل (ص ۲۳) (۰/۲۵)

۵ الف) مردم امتی یکپارچه بودند پس خداوند، پیامبران را بشارت‌دهنده فرستاد. (ص ۲۷) (۰/۵)

نکته «مُبَشِّرینَ» در این جمله در نقش «حال» است و باید دقت کنیم به صورت صفت ترجمه نکنیم. میان حال و اسم قبلی آن باید به وسیلهٔ «به، با، را، از، در حالی که و ...» فاصله باشد.

ب) قطعاً خداوند دارای بخشش بر مردم است ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند. (ص ۶) (۰/۵)

نکته در این جمله «إنَّ» و «لکنَّ» از حروف مشبّهةٌ بالفعل هستند. «إنَّ» در ابتدای جمله می‌آید و عدم ترجمهٔ آن در جمله صحیح است و «لکنَّ» وسط جمله می‌آید و برای کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام جملهٔ قبل از خودش است.

ج) پس به (برکت) رحمتی از طرف خدا با آنان نرم‌خو شدی و اگر تندخو و سنگدل بودی، بی‌گمان از اطرافت پراکنده می‌شدند. (ص ۳۷) (۰/۷۵) د) گاهی کشاورزان نهال‌های جدیدی می‌کارند در حالی که آن‌ها می‌دانند که آن‌ها میوه نمی‌دهند مگر بعد از مرگشان. (ص ۴۰) (۰/۷۵)

نکته «قد» اگر همراه با فعل مضارع بیاید به معنای «گاهی» است و بعد از آن فعل مضارع را ترجمه می‌کنیم.

هـ) سال‌ها از فوت مادرم می‌گذرد ولی من بوسیدن مادرم را فراموش نخواهم کرد. (ص ۳۹) (۰/۷۵)

نکته «لَنْ» همراه با فعل مضارع به صورت مستقبل منفی یعنی با پیشوند «نخواه» ترجمه می‌شود.

و) هیچ چیزی بهتر از گذشت هنگام قدرت نیست. (ص ۹) (۰/۵)

نکته «لا» قبل از اسم از نوع «لای» نفی جنس است و به صورت «هیچ ... نیست» ترجمه می‌شود.

ز) انسان کارهای سخت خود را در کندن تونل‌ها و شکافتن کانال‌ها آسان کرد. (ص ۲۱) (۰/۵)

نکته «أعمال» جمع غیرانسان است و صفت آن مفرد مؤنث «الصَّعْبَة» آمده است.

ح) در جنگ حنین شیما به دست مسلمانان اسیر شد. (ص ۳۹) (۰/۵) ط) آنان را می‌بینی که از تکّه‌گلی آفریده شده‌اند. آیا به جز گوشت و استخوان و پی هستند؟ (ص ۳) (۰/۷۵)

نکته فعل ماضی اگر با ضمه «ـُـ» شروع شود آن فعل مجهول است و با پسوند «... شد» ترجمه می‌شود.

ی) ای پروردگار! محمد را برایمان نگه دار تا او را در نوجوانی و برنایی ببینیم. (ص ۳۸) (۰/۷۵)

نکته فعل‌هایی که در سه حرف اصلی آن‌ها یکی از سه حرف «و - ا - ی» وجود دارد در صرف فعل‌ها و صیغه‌های مختلف دارای تغییراتی هستند مانند «أبقِ» که فعل امر صیغهٔ مفرد مذکر مخاطب است و از ریشهٔ «بقی» گرفته شده است.

ك) نهنگ برای خارج کردن روغن از کبدش برای ساخت مواد آرایشی شکار می‌شود. (ص ۳۰) (۰/۷۵)

نکته «یُصادُ» در این جمله فعل مضارع مجهول است و به صورت «شکار می‌شود» ترجمه می‌شود.

۶ الف) ۱ (ص ۲۰)

نکته فعل ناقصه «کان» همراه با فعل ماضی به صورت ماضی بعید (... بود) ترجمه می‌شود.

ب) ۲ (ص ۲۰)

نکته ضمایر متصل (ـه، هما، هم، ها ...) در صورتی که به فعل اضافه شوند نقش مفعول دارند و فعلی که مفعول دارد متعدّی است.

«مُواصَلَة» مصدر باب «مُفاعَلَة» به معنی «ادامه دادن» است و رسیدن در زبان عربی «وصول» می‌باشد. (هر مورد ۰/۲۵)

۷ در حالی که / جمع می‌کردند. (ص ۲۷) (هر مورد ۰/۲۵)

نکته گاهی قید حالت به صورت جملهٔ اسمیه همراه با «واو حالیّه» و به دنبال آن یک ضمیر می‌آید: «واو حالیّه» به صورت «در حالی که ...» ترجمه می‌شود.

ب) پست‌تر / می‌جود. (ص ۲۸) (هر مورد ۰/۲۵)

نکته اسم تفضیل بر وزن «أفْعَل» است و اگر بعدش حرف جرّ «مِن» بیاید به صورت صفت تفضیلی (تر) ترجمه می‌شود. (هر مورد ۰/۲۵)

۸ الف) باید کار کنند (ص ۳۴) (۰/۲۵)

نکته اگر «لِـ» جازم به همراه فعل مضارع مجزوم باشد به صورت «باید + مضارع التزامی فارسی» ترجمه می‌شود.

ب) عمل نکردن (عمل نکرده‌اند) (ص ۳۴) (۰/۲۵)

نکته اگر «لَمْ» با فعل مضارع مجزوم بیاید آن فعل معادل ماضی منفی فارسی یا ماضی نقلی منفی فارسی ترجمه می‌شود.

ج) کار نمی‌کنم (ص ۳۴) (۰/۲۵)

نکته «لا» همراه با فعل مضارع از نوع «نافیه» است و آن فعل به صورت مضارع منفی ترجمه می‌شود.

د) نباید خودداری کنیم (ص ۳۳) (۰/۲۵)

نکته «لا»ی نهی به همراه فعل مضارع مجزوم غائب و متکلّم به صورت «نباید + مضارع التزامی فارسی» ترجمه می‌شود.

هـ) خودداری می‌کردند (ص ۳۳) (۰/۲۵)

نکته اگر «کان» همراه با فعل مضارع در جمله بیاید آن فعل به صورت ماضی استمراری فارسی ترجمه می‌شود.

و) خودداری نخواهی کرد (ص ۳۳) (۰/۲۵)

نکته چنانچه «لَنْ» که از ادات نصب است همراه با فعل مضارع بیاید آن فعل به صورت مستقل منفی (پیشوند نخواه) ترجمه می‌شود.

ز) گاهی به یاد می‌آورم (ص ۳۴) (۰/۲۵)

نکته «قد» اگر همراه فعل مضارع در جمله بیاید به‌صورت «گاهی» ترجمه می‌شود و تغییری در ترجمهٔ فعل مضارع ایجاد نمی‌شود.

ح) به یاد بیاوری (ص ۳۴) (۰/۲۵)

نکته «إن» از ادات شرط است و «تَذَکَّرْتَ» فعل شرط و به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

۹ الف) هُوَ جالِسٌ: جملهٔ حالیه / الأوفیاءِ: صفت (ص ۲۷) (هر مورد ۰/۲۵)

نکته گاهی حال به صورت جملهٔ اسمیه بعد از «واو حالیه» در جمله می‌آید. در این جمله بعد «واو» جملهٔ «هو جالسٌ» یک جملهٔ حالیه است.

نکته «الأوفیاء» در این جمله در نقش صفت است. گاهی دانش‌آموزان سؤال می‌کنند که «الأوفیاء» دارای «ال» است ولی «أصدقاء» در این جمله «ال» ندارد. چطور صفت بگیریم؟ دقت کنید که صفت با موصوف خود در چهار مورد یکسان است: ۱- اعراب ۲- تعداد ۳- جنس ۴- معرفه و نکره - همان‌طور که می‌بینید صفت با موصوف در معرفه و نکره با هم مطابقت دارند نه در «ال» داشتن. در این جمله «الأوفیاء» معرفه به «ال» و «أصدقاء» معرفه به «مضاف» است. توضیح اینکه اگر اسمی به یک ضمیر متصل شود آن اسم نیز معرفه محسوب می‌شود. پس هر دو (أصدقاء - الأوفیاء) معرفه هستند.

ب) شدیدَ: خبر فعل ناقصه - الطُّفولةِ: مجرور به حرف جرّ (ص ۳۹) (هر مورد ۰/۲۵) - «شدیدَ» بعد از فعل ناقصهٔ «کان» آمده است. در این جمله «النبیُّ» اسم «کان» و «شدیدَ» خبر «کان» است. «الطُّفولةِ» بعد از حرف جرّ «في» قرار گرفته و در نقش «مجرور به حرف جرّ» می‌باشد. ج) حِزامُ: مبتدا - رَکّابُ: فاعل (ص ۲۹) (هر مورد ۰/۲۵) - «حِزامُ» اسم است و در ابتدای جمله نقش مبتدا دارد. «رَکّابُ» در این جمله نقش خبر ندارد و خبر در این جمله «شریطٌ» است. دقت کنید که «شریطٌ» در این جمله نکره است و جملهٔ «یَسْتَعْمِلُهُ رَکّابُ ...» از آنجا که بعد اسم نکره آمده نقش جملهٔ وصفیه دارد و «رَکّابُ» فاعل این جمله است. د) «هذه»: مضاف‌إلیه - «هذه» اسم اشاره و اسم قبلی آن دارای «ال» و «تنوین» نیست. پس «هذه» نقش «مضاف‌إلیه» دارد - «الآخرونَ» فاعل - گاهی فاعل بلافاصله بعد از فعل نمی‌آید و با چند کلمه اختلاف بعد از فعل می‌آید. (هر مورد ۰/۲۵)

۱۰ اسم فاعل: المُحسِن (ص ۳۵) (۰/۲۵)

نکته اگر اسمی با «ـُـ» آغاز شود و عین‌الفعل آن (دوّمین حرف اصلی) کسره «ـِـ» باشد اسم فاعل است.

اسم مفعول: مَشْغُولُونَ (ص ۳۴) (۰/۲۵) / اسم مبالغه: أمّارَة (ص ۱۵) (۰/۲۵)

نکته اسم مبالغه بر وزن «فَعّال» و «فَعّالة» است. دقت شود که اسم مبالغه «فَعّال» را با جمع مکسر، بر وزن «فُعّال» که اسم فاعل است اشتباه نگیریم.

اسم مکان: مَنازِل (ص ۳۵) (۰/۲۵)

نکته اسم مکان بر وزن‌های «مَفْعَل»، «مَفْعِل» و «مَفْعَلَة» می‌آید و «مَفاعِل» وزن جمع مکسّر اسم مکان است.

۱۱ الف) گزینهٔ (۱) (ص ۹) (۰/۲۵)

نکته حرف «لا» در صورتی که قبل از اسم باشد از نوع «نفی جنس» است. اگر «لا» قبل از فعل مضارع مجزوم باشد «لا» از نوع «ناهیه» و اگر حرف «لا» قبل از فعل مضارع بیاید و تغییری در ظاهر فعل ایجاد نکند «لا» از نوع «نافیه» است.

ب) حرف مشبّهة بالفعل: لَعَلَّ (ص ۸) (۰/۲۵) - «لَعَلَّ» از حروف مشبّهة بالفعل است که غالباً برای بیان امید و آرزو به کار می‌رود.

۱۲ الف) مُتأخِّرتینِ (ص ۲۶) - در جای خالی این جمله باید نقش حال بیاید و حال از نظر اعرابی منصوب است پس «مُتَأَخِّرانِ» با توجه به اعراب مرفوع مناسب جمله نیست و با توجه به «التّلمیذتانِ» که مثنی مؤنث است گزینهٔ مناسب برای این جمله «مُتَأَخِّرتینِ» مثنی مؤنث است.

ب) لَنْ یَجْلِسُوا (ص ۲۶)

نکته اگر مبتدا اسم باشد و ضمیر نباشد، خبر فعل بعد از آن باید از صیغه‌های غائب باشد. «لا تَجْلِسُوا» فعل مخاطب است و مناسب این جمله نیست. «لَمْ» همراه با فعل مضارع به صورت منفی یا ماضی نقلی منفی ترجمه می‌شود و «لَنْ» همراه فعل مضارع به صورت مستقبل منفی (نخواه ...) ترجمه می‌شود. با توجه به قید «غَداً» (فردا) از فعل ماضی نمی‌توان استفاده کرد.

ترجمهٔ عبارت: تماشاچیان **فردا** در جای خود **نخواهند نشست**.

ج) تکاتَبَ (ص ۳۳)

نکته فعل در ابتدای جمله مفرد می‌آید البته در صورتی که فاعل آن بعدش آمده باشد. در این جمله «الأصدقاءُ» فاعل است و جمع مکسّر است، پس فعل ابتدای جمله باید مفرد باشد و گزینهٔ «تکاتَبوا» برای این جمله مناسب نیست. ضمناً با توجه به قید «أمس» (دیروز) باید فعل ماضی که زمان آن گذشته است بیاید و «یَتَکاتَبُ» که مضارع است؛ مناسب این جمله نمی‌باشد.

د) لکنَّ (ص ۶)

نکته «لکنَّ» از حروف مشبّهةٌ بالفعل و به معنی «ولی، اما» و برای کامل کردن پیام و برطرف کردن ابهام جملهٔ قبل از خودش است، جایگاه «لکنّ»، در وسط جمله است.

ترجمهٔ عبارت: معلمان به سالن امتحان آمدند **ولی** بیشتر دانش‌آموزان غائب بودند. (هر مورد ۰/۲۵)

۱۳ الف) التَّلّ: تپه (ص ۲۸) - ترجمهٔ عبارت: تپه منطقه‌ای بلند بالای سطح زمین، کوچک‌تر از کوه است. ب) التِّقْنِیَة: فناوری (ص ۲۳) - ترجمهٔ عبارت: فناوری مجموعه‌ای از اختراعات علمی و ابتکارات جدید است. ج) المَصانِع: کارخانه‌ها - ترجمهٔ عبارت: آلفرد به ایجاد ده‌ها کارخانه در بیست دولت پرداخت. د) أَطْعِمَةٌ: غذاهایی - ترجمهٔ عبارت: غذاهایی از مادهٔ قرمز رنگی از جسم بعضی حیوانات درست می‌شود. (هر مورد ۰/۲۵)

دو کلمهٔ «القناة» و «المختبَر» زائد و اضافی هستند.